

جدید از جانب دول و دولت چین بامضا رسیده است
 § خبر (روتز) خبر میدهد که الی دو هفته دیگر
 اینهم صلح بوئر هویدا خواهد شد امید قوی دارد
 که طاقت این جنگ به صلح انجامد

§ روزنامه طمس پاریس بموجب تلگرافیکه از (ساکون)
 پاتک خبر بلوا و اغتشاش (لوامس) را ظاهر میدارد
 که بلوایتان ستونهای تلگراف (سواتک الی وتین) را
 انداخته اند - حکومت سیام با فوجی از قشون آنان
 حرکت نموده - مأمور سیاسی فرانسه نیز از (بانکاک)
 امداد فرستاده - در طریق (بامبانک) نیز اغتشاش
 نمودار است - حکومت (اندوچینا) چهار صد نفر
 در (پرمات) فرستاده و سیصد نفر در (میکانک)

§ در مقام (صدنی) یکصد و نه نفر گرفتار بطاعون
 و ۲۷ نفر تلف گردیدند از عجایب آنکه ۱۹ نفر
 جانوران و ۲ پرنده نیز در محاسب خانه از این مرض
 سقط گردیده اند

§ افواه است برخی از طوائف اصحاب بمن سر
 بیاضگیری برداشته آثار بلوا در آن مملکت ظاهر و
 هویداست از این رو چند کشتی جنگی برای حمل
 و نقل زغال از قسطنطنیه رسیده حامل افواج نیز
 میباشد

(اول - ماه می)

§ (لارد مپوش) اینک قابل حرکت شده و تا یک
 درجه سمت یاقه است - ولی یک پای او قدری از پای
 دیگرش کوتاه تر خواهد بود افواهاست که در سرحد
 شمال - (رای هد - و آریجد) را نیز شامل خواهند
 نمود و یا هفت هزار مربع میل انگلیسی بر سرحد
 (تال) افزوده خواهد شد و بنجاه هزار (بومی)
 امارت شمال برای قرضه ترسوال که تخمیناً هفتصد
 هزار لیره میباشد مده خواهد گرفت

§ روزنامه (دیلی تلگراف) مینویسد که (پرلس)
 ردزول (ژ روی خطا باعث بر اتلاف (مسترسیل
 رودز) گردید مشارالیه در تالار (دلهم) رفته برای
 ادای شهادت پس از فراغ چون بیرون آمد سورت
 گرم هوای (کیپ تون) بروی سرایت کرده مملکت گردید
 § (حرفه پرسنس) زهزول فیصله شده مشارالیه
 مجرم دستخط نمودن خطا جنلی بتام (مستور خودس)

هرم قرار یافته عدالت دوسال حکم صادر نمود
 § از خبر نانی جتان مستفاد میشود که پانزدهم شهر
 جاری بوئران در مقام (ورینتک) انجمن شده شرایط
 تسلیم نمودن خودهارا فیصله نموده سپس در (بریتوریا)
 رفته تا (لارد آنچر) مصالحت خواهند نمود

§ اعلیحضرت پادشاه ابطالی تقصیر افسران جهاز
 جنگی امریکا را که در مقام (سنت مارکو) غوغا انداخته
 و بدین جرم مقید شده بودند عفو و انعام فرمود
 § خبر (روتز) از بریتوریا خبر میدهد که سرداران
 بوئر در هر سمت مشغول بآمد و رفتند گویا دوره
 حرکاتشان تا ۱۵ ماه می است سپس در مقام (ورینتک)
 اجماع نموده در باره تسلیم نمودن خودشان مشوره
 خواهند نمود

(دوم می)

§ افواه است که اداره جنگی دولت انگلیس تدارک
 نموده که تا آخر شهر حال بالغ بر ده هزار تفهون و
 دوهزار اسب در چهارده جهاز بجانب افریقای جنوبی
 کسبل دارد

§ (لارد لندون) وزیر خارجه دولت انگلیس (کونت
 مستوکاتا) سفیر ژاپون را امروز بحضور اعلیحضرت
 (ادورد هفتم) رسانید مشار الیه جمعیت اعلیحضرت
 شاه در (بکینگهم پالس) حاضر خواهد بود

§ جنگ استقراضی دولت روس در ایران شامی نیز
 در مشهد برای رواج و ترقی اتمه و اقمشه تجارتن
 روسیه باز کرده است

(سوم می)

§ (کرنل بارکتر) سردار انگلیسی خبر میدهد که
 (منی بوتها) که یکی از برادر زاده های (لونی بوتها)
 و بهترین افسر اردوی (جنزل دیوت) است در
 (فرنگفرت) گرفتار قشون انگلیسی گردیده است

§ (کرنل راکفرت) اطلاع میدهد که در جنگی که
 بیست و نهم ماه گذشته میان قشون انگلیسی و بوئر
 واقع گردید (فیلد کلرنت بکر) جراحت سنگری یافته
 و (فیلد کلرنت کلدن هیو) نیز مجروح شده است

§ قبل از بلوای (میوجیگی) که در غربی و جنوبی
 روس واقع است جماعتی از مخالفین دولت انتشار دادند
 که اعلیحضرت امپراطور روس حکم صادر فرموده که

روانه گردیدند و از جانب دولت علیه ایران برای پادشاه جدید اسپانیا حامل نشان اقدس نیز میباشند

§ یازدهم اپریل یکی از فرقه نهبیز خود را لباس نظام در آورده نزدیک بوزیر داخله روس شده بروی حمله نموده هنگامیکه وزیر منبور قصد و رد بانجمن وزرا نمود چهار تیر شلیک کرده ویرا هدف گلوله ساخت فوراً به بیمارخانه اش برده پس از ساعتی جان باخت - آخرین کلامش این بود (که من خبر ندارم کسی ایذا رسانیده باشم - چرا مرا بقتل رسانیدند ؟) قاتل بدون مخالفت و فرار گرفتار گردید و نام خود را (الشانت) بیان کرد - گویا سال گذشته در بلوای (کیئف) او را بقصور مقصر قرار داده بودند

§ در سویدن یکی از داکتران نامی گرامی صغوف شیر ۱۱ بقسمی تشبیه نموده که در میچ موسم خراب نیمفود § ۲۱ شهر ماضی ولیعهد سیام به ملاقات پادشاه انگلستان نائل سکردیده باعزاز و خطاب و نقان دست شاهی مفتخر آمد و در سر میز با اعلیحضرت شاهنشاهی انگلستان تناول طعام نمود

§ آخر الامر در پارلمان انگلستان بکثرت آراء کمرک غله و ازدیاد (انکم تکس - قسمی از عوارض بر مداخل رعایاست) منظور گردید

§ در اسلامبول برای مسافرت مصر پنج روز قرنطینه مقرر نموده اند

✦ مکتوب از بوشهر ✦

§ تجارت روسیه روز روز در بوشهر بالا میگیرد و رونق پیدا مینماید - چون تجارت روسیه وضع این صفحات و میل اهالی را دیده مالالتجاره که مطبوع نامه است وارد مینمایند - واقعاً تقدماً که اول کار است اقمشه که از کارخانجات روسیه وارد مینمایند بهتر از اقمشه انگلستان جلوه میدهد از این روسایر کارهایشان را هم همین قسم ملاحظه فرمائید -

هفته گذشته قریب سه صندوق تریک بجه شده برای حمل در جهاز لندن (مکتویس) نام از بوشهر حمل شد - همینکه در ماشوه حمل نمودند نصف راه که میبود کشتی سوراخ و تریکها آب دیده و دامی بیکرده از قوار مسموع حمله جات ماشوه را سوراخ نموده بجه کنند هم ملتفت این نکته بود این خبر بکارگذار

حصه از اراضی عماید و بزرگان را بر دهقانان تقسیم نمایند افسرانیکه مأمور این خدمت بودند اراده نموده که یست اگر زمین را برای هر یک از عماید و امرا کفاده بقایا را بجهت تعمیر بزرع و اکفاد نمایند - حکام بزرگ نیز در این ماده مداخلت کرده آغاز بخون ریزی و بلوا شده بسیاری از اماکن را نیز آتش زده اند

✦ اعلان عزاداری ✦

از هفته نهر صفر المظفر الی یازدهم شهر منبور در ماتم خانه جناب نظامت نصاب میرزا فیاض علیخان بهادر در (رزیدلسی) حیدرآباد دکن از ساعت هشت صباحی (بابی بندی وقت) شروع مجلس مرثیه خوانی خواهد شد - و قاضل یگانه و ادیب فرزانه جناب میرزا جعفر صاحب متخلص (باوج) از سرانی جان سوز و کلمات دلگزار در ربار بلاغت نظام خودشان مجلسیان را محظوظ خواهند فرمود یقین است مؤمنین واجب التعمیم بوقت مقرر درین عزادخانه خامس آل عبا علیه السلام شرکت فرموده داخل حسنات خواهند گردید

✦ اخبارات خارجه ✦

§ محمد علی پاشا کهن برادر والا حضرت خدیوای مصر به جانب پاریس روانه گردید

§ امسال در تمام صوبه حجاز خاصه در مکه معظمه هر قدر کوسفند قربانی شد پوستش را بمعرض بیع در آورده وجه آن را برای دفتر اطامه تعمیر راه آهن حجاز فرستاده اند

§ در ولایت (بایه) حریق واقع شده چهل باب خانه را خاکستر نموده است

§ از امتعه و اقمشه خارجه که مخک عثمانی وارد میگردد دولت مشارالها (۳۳۸۶۹۹۵۴) فروش صاغ کمرک حاصل نموده نسبت بسال گذشته (۳۶۰۰۰۰۰) اضافه شده است

§ باب عالی وزیر بحریه را اجازت داده که ده جهاز جنگی جدید از درجه اول از کارخانجات اروپا و امریکا خریداری نماید

§ جناب اشرف پرنس ارفع الدوله سفیر کبیر دولت علیه ایران مقیم در بارجلبه عتانی بطریق سفارت فوق العاده برای تبریک جشن تاجگذاری اعلیحضرت (الفرود سیزدهم) پادشاه اسپانیا یازدهم اپریل از اسلامبول

رسیده فرستاد همه جات ماشوه را حاضر نموده پس از سؤال و جواب زیاد همه جات منبوره اقرار نمودند که جماعت محرك بوده مبنای رشوه به ناخدا و جاشوهای ماشوه داده اند و ترتیب این طور شده

که جماعت منقلب همدست و کپانی شده کسانیکه جلس برای حمل دارند و امکان پیدا نمایند او را فریفته و با خود همدست نموده اجزاء وکیل کپانی و آشتی و بچه را دیده قرار می دهند همچنین صاحب سکتی شراهی را هم ملاقات مینمایند و اذن شکستن ماشوه یا سوراخ یا ضریق نمودن تحصیل نموده همدست در تضییع ماشوه اقدام نموده آن وقت بمیل خود رفتار مینمایند اگر پیشرفت پیدا کرده منافع را تقسیم - اگر پیشرفت نه نمود اجزای شرکت خساره را متحمل میشوند فعلاً چند نفری بواسطه این امر شلیح در حبس کارگذار هستند تا بعد چه شود - اداره پستخانه دو هفته میشود در تکرک مفتوح شده و رئیس پست سابق همان قسم ریاست دارد

بصره

وقایع تکرک جبل التین می نویسد - که بالغ بر دو هفته است که میانه (پستماستر - رئیس پستخانه) بایست چی بصره که مرد امین و وکیل جمعی از تجار عرب و عجم و یهود میباشد کدورتی واقع شده پستماستر منبوره ویرا اخراج نموده و در عوض وی نام که سابق وکیل تجار بود و بواسطه حیاتی که از وی دیدند و مکرر خطوط مردم را باز و چند فقره نیز نوبت از جوف پاکتها برداشته بود و مطالب خطوط تجار را افشا میکرد و بعد از شکایت تجار ازین عهده بر طرف گردید باز بدین مقام نائل نموده ازین رو اینک دو هفته است که خطوط تجار بموقع خود نمی رسد و بر انتظامهای دیگر هم در پستخانه میشود که این وقت ذکرش مناسب نیست تجار محترم درین باب عریضه احتکاب قولسکری دولت فخریه انگلیس داده اند میانه پستماستر و پستی تازه خیلی محکم

است (خداوند صورت زرد طلا را سیاه کند که تمام سیه بختهای ما از آن است)

شبهه از حالات تاریخی مسلمانان چین

(عطف باسابق)

یکی از مورخین چین حالات تاریخی سنه (۷۱۳) الی سنه (۷۴۲) آن مملکت را نکشته در آن ضمن بیان میکند که از سه هزارمیل مسافت قومی از وحشیان (مقصودش مسلمانان است) در مملکت چین گروه گروه داخل شده کتاب مذهبی خود را سکه خیلی مقدس می شمارند بطریق باج و خراج بدر بار خاقان نذر نمودند پس از آنکه مقبول بارگاه خاقان شد در آن تیکه خانه شاهی که مختص باینگونه اشیاء بود گذاردند -

مورخ مذکور مینویسد در آن زمان از ممالک مختلفه عقاید مذهبی چند در چین داخل شد و بدون مزاحمت علانیه دعوت آن مذاهب بترویج مذهب خویش اقدام نمودند

اول مسجدیکه در چین احداث شد سنه (۷۱۲) میلادی در دارالاماره صوبه (شانسی) بود - يك نفر افسران چینی را حکومت صوبه مذکور بنکرانی حال مسلمانان مقرر کرده بود

حالات تاریخی ترویج اسلام در ملک چین بطریق مفصل دستیاب نمیشود همینقدر ظاهر می گردد که در اواسط مائه هشتم میلادی اولاً در صوبه (کالسو) اسلام داخل شد - در آن زمان صوبه (کالسو) بین رود (ارتش) و (ارکهان) بود و یکدرجه پادشاه خود مختار داشت ولی خوبشتر تابع خاقان چین میدانست

در بین سنوات نهمد و هزار میلادی درین صوبه اسلام خیلی رواج یافت چه در همان سنوات حاکم صوبه (کالسو) که موسوم به (خان اسلیوک) بود اسلام قبول نموده شروع به جهاد کفار کرد و رطایب خود را قهراً و جبراً مسلمان میکرد و جانشینان او نیز در ترویج مذهب اسلام خیلی جانشعانی کردند جز مذهب لسطوری و اسلام حمل نمودن بمذاهب دیگر منع صریح

بود این دستور تا اوائل سنه (۱۲۰۰) میلادی که چنگیز خان مغول سلطنت (هوی هو) را تا راج کرده اعلان آزادی مذهب داد جاری بود

در رقبه حکومت خان (هوی هو) رعایای دیگر از طوایف ترك نیز بودند کویا ترکان عثمانی از آن خاندان باشند آنان از (خامل) که در ترکستان چین واقع است در مملکت (هوی هو) داخل شدند نظر بعضی نوارنج طائفة دیگر هم بودند موسوم به (تنکانی) تنکانی در زمان ترکی نو مسلم را میگویند - و ترکستان مسلمانان این اسم مشهور بودند و فرقه هم که موسوم به (ویکر) بود نیز نامزد به تنکانی شدند قوم (ویکر) را در عهد پادشاهی خاندان (نهانگ) سنه (۶۱۸) الی سنه (۹۰۷) از قرب دیوار چین دور کردند آنان نیز در صوبه (هوی هو) آمده رغبت بآموختن زبان چین کردند

بعد از آنیکه اقوام مختلفه باز بانهای مختلف دین اسلام را قبول کردند رشته داران و اقارب آنها هم که در دیوار چین سکونت داشته مسلمان شدند و نکاح عورات چینی را جائز شمرده مروج قرار دادند و آنچه اولاد از آنها بوجود می آمد مسلمان مینمودند در آغاز هزار و سیصد عیسوی که فتوحات چنگیز خان مشرق و مغرب آسیا را فرا گرفت بسیاری از اقوام مختلفه اسلام وطن مألوف خود را نگارده در صوبه (شانشی) و (کانسو) سکونت اختیار نموده رواج تجارت خود را دادند بقدری که مسلمانان چین رغبت در تجارت داشتند هیچیک از اقوام و گروه دیگر نداشتند و بحدیکه اسلامیان در چین تجارتشان بالا گرفت هیچ قوم و ملت مروج نیافته بود و مسلمانان چین در معاملات تجارت براسهت بازی و دیانت داری در تمام وسط آسیا مشهور بودند

بحیثیت خلقت و قوای جسمانی اسلامیان چین از تمام اقوام آن سرزمین امتیاز دارند چه قالب اسلامیان چین پس از چند پشت بسجم یا عرب میروند ازین رو

مسلمانان بسیار در خدمات دولتی مانند پلیس و لشکری و غیره منتخب میشوند.

زمانیکه سلاطین مغول ممالک شرقی را احاطه کرده بنای قتل و تاراج و ظلم و بیداد را نهادند بسیاری از اعراب شامات و اقوام فارس و غیره ترك وطن گفته در مملکت چین داخل شده سکونت اختیار نمودند و بسیاری هم بقید اسارت در آسروزمین رسیده بعضی بطریق تجارت و برخی بکار حرفت و بسیاری بامید خدمات حکومت سکونت چین را اختیار کردند

ازین رو بر قومیت مسلمانان چین افزوده و روز افزون مسلمانان سرسبز میگرددند چون زنان اسلام از ممالک اسلامی به بندرت خارج شده بودند مسلمانانیکه در چین رفته هم با زنان چینی ترویج اختیار کردند ازین رو رسم و رواج مسلمانان چین با اسلامیان سایر بلاد کمتر مشابهت دارد ولی در اعتقاد از مسلمانان دیگر بهتر و مسلمان کاملند اگر چند نفر دماء فاضله اسلامی خود را وقف تربیت آنها نمایند جوش ترقی نامه در اسلامیان چین پیدا خواهد شد (باقی دارد)

مکتوب از حیدرآباد دکن

والاحضرت نظام خلدایه ملکه بمهراجة مدارالمهام بالمعاشه فرمودند که معظمه به منصب وزارت یعنی صدارت عظمی بالاستقلال منصوب گردیده اند جناب (لارڈ آرزون) فرمانفرمای هند هم بروز روانگی بمهراجة مدارالمهام را اطلاع داده تهلیت وزارت استقلالیه ایمن را فرمودند - بسبب هرم این خبر تاکنون در جزیره اهلایه حضور عالی یعنی اخبار رسیده اطارت شایع نموده است

در همان هفته که نایب السلطنه هند از حیدرآباد دکن تشریف بردند در هر مجلس شنیده میشود که مملکت اطانی (برار) صکه از ملک حضور نظام و نظامش در دست انگلیس از مملکت دکن منقطع نموده بود در علاقه خاصه انگلیس ضم شده - و در معارضه حکومت هند بدولت نظام سه میلیون روپیه سالانه خواهد پرداخت

و اینهم گفته میشود که سبب آمدن فرمانفرمای هند به طهران دکن همین نکته اهم بود که با حضور نظام مصفیة مسکة مملکت (برار) را بفرمایند - تا حال تصدیق این خبر بنفذه است و عجب نیست که صدق باشد این امر نظامی شده که آنچه بقبضه دولت انگلیس برآمده باشد بازگرفتنش از امرای هندوستان بعید از امکان است ولو قبضه بطریق امانت باشد - اینک مداخله سالانه برار پانزده ملیون رویه است - باز گفت علاقه با اینقدر مداخله به امارت ضعیفی مانند دکن امریست محال - خدا این خبر را غلط کند -

در مهماندارد و ضیافت (لارد کرزن) نایب السلطنه هند کمتر از چهارصد هزار رویه صرف نشده امیدواریم مهمانی چنین با میزبانی چنان اینگونه سلوک نکرده و نخواهد کرد چه در چنین موقع اینگونه سلوک با طبایع آسیائیان موافقت ندارد

➤ معارف پژوهان را بشارت ➤

یکی از وظایف ارباب جراید آنست که معرفت میکردند دانشمندان ملت را اهم برایتکه در خارجه یا در داخله باشند - معرفی فضلی طایقदार و ادبای نامدار در هر قوم و ملت مبنی بر فوائد بسیار است که نزد دانش پژوهان پوشیده نیست و شرحش درین مقام موجب اطناب میباشد

یکی از ادبای نامدار و فضلی طایقदार این عصر فرخنده در ملت نجیبه ایرانیه جناب آقا میرزا جعفر خان لازاروف معلم و مترجم معلم خانه السنه شرقیه مسکو میباشد این فاضل یگانه و ادیب فرزانه اصلاً ایرانی و از خاک مردم خیز محلاط است هر زبان صربی و فارسی سر آمد ادبای عصر خویش بشمار و در السنه خارجه صاحب بدطولی و مکنث والا میباشد - نه تنها این فاضل فرزانه آشنابه السنه جهودی و بیگانه است - در علوم و فنون عهد جدید هم یگانه بلکه دردانه میباشد - و در ترویج و تکمیل زبان ملی (یعنی فارسی) هم قدم جانفشانی

نموده و میباشد

الحق اگر ملت ما قدر دان معارف و دوات مان قدر افزای ارباب علم و دانش بودند قدر این وجود های مقتدم هفتی نمی ماند - و بیگانگان بقابل معاوضه جلب منافع جلیل از ایشان نمی نمودند - بتازگی دو جلد کتاب از تصدیقات ایشان یکی در محاوره زبان فارسی برای روسیان و فرانسویان و دیگری در قواعد صرف و نحو فارسی بروسی ملاحظه شد هر یک ازین دو کتاب دال است بر علو دانش و کمال بینش و زحمت کشی و جانفشانی ایشان در علوم و فنون لارمه عصر جدید

بمقتضای اینکه مشک آنست که خود بوید - نه که عطار گوید دیباجه کتاب محاوره فارسی و روسی و فرانسوی اینها را فیلاً مینگاریم و ترقیبات وجود محترم شان را خواهانیم و امثال ایشان را در ملت ایرانیه از درگاه خداوند متعال سلام

➤ نام ایزد بخشنده مهربان ➤

اولین نمجلی انوار عقل که غاسه انسان و موجب شرف و فضیلت آن بر انواع حیوان است صفت نطق و سنتت کتابت است و از برکات این دو قدرت کامله است که نشر علوم و نظم عالم اکنون در قطر حقیقی و (علاقه الارض قسطاً وعدلاً) جلوه مینماید. معلوم است بحکم (الناس معادن کعمادن الفضة والذهب) اقسام علوم و انواع معارف که اسرار و وسایل حل جمیع مشکلات و رفع تمام شهات و تنویر همه ظلمات و انجام کل حاجات بشری است چون اقسام معادن نجیب از جواهر و فلزات در بطون احجار و قعر بحار در طبایع ایشاء بشر بشدت و ضعف از و دایع مکنون حقیقی است و هر یک از آنها به اختصاص کومری غیر آن دیگر مفتخرند و ذره از اجزای این همه بی مأموریت مخصوصه آفریده نکرده اند تا ابراز آن و دایع و اجرای آن مأموریت عالم مدنیست تکمیل یابد و عروس انسانیت از پس حجاب ظلمت

جال جهان آرای خود را هویدا نماید

پس چگونه که در تحصیل فلزات تیشه و تبر درکار است در اندوختن این جواهر کرانه‌های دریای خلقت خاصه بفری نیز اشتغال فکر و نظر و استعمال سمع و بصر لازم است که بواسطه آن قوای طبیعی در معادن مکاتب و مدارس تحصیل جواهر علم و معرفت و حکوم نطق و کتابت پردازند تا طفل تمدن بسر حد کمال برسد و صبری آدمیت بالاستحقاق نایل خزان و نقد کرنا گردد .

البته مقصود اصلی وقتی بعمل آید که هموم انفس جواهر مکتوبه خود را از ظلم استعداد به عالم ظهور و از حالت کون بصورت شهود آورند - بیکانگی مبدل بیکانگی سکرده و حقایق افسانه هارا معدوم سازد - اشتراك بشریه ثروت همومی شود و تعلیمات علوم و فنون والسنة ملل متنوعه رابطه قرب ضریب و بومی باشد . هر ملت از خطوط و لغات ملت دیگر تدریس نمایند تا به آداب و رسوم همدیگر آشنا گردند و هر آنچه سودمند است بپذیرند و از آنچه در خور اقتضا نیست پرهیزند .

اگر اسلاف ما آنچه از صنایع و علوم و سایر لوازم زندگانی را که ریاضات و زحمات تعلیم و تجربه تحصیل کرده بودند بواسطه نطق و کتابت مارا تبلیغ و تودیع نمی فرمودند - آیا چگونه میتوانستیم نایل بفرق این عهد ترقی کردیم ؟ و میبایست در حالت وحشیت و جهالت باقی باشیم .

پس چنانکه پیشینیان بواسطه این وسایل مقدسه نطق و کتابت مارا از باده ظلمت و گرداب هلاکت بجهان انبابت و سر منزل طاقیت هدایت فرمودند برماست که همه ایام هر کران بهای خود را صرف تحصیل علم و معرفت نمایم تا خود بتوانیم بشرف و آسایش زندگانی نمایم و هم برای آیندگان یادگار خیر و نیکو سرمشق گذاریم . شاد باد روان اسلاف ما که قدر و اهمیت این دو قدرت کامله را در یافتند

و مارا به لغز و تعلیم و نظم آن مأمور نمودند و برای تعمیم آنها بتأسیس مکاتب پراختند و با اختراع عمل طبع اشکالات تربیت قلم و سموبت تسبیخ و تضییع وقت را بلیره از میان برداشتند طوبی لهم و حسن مأب • سعادت کل سعادت نصیب آن قوم که بنیان مکاتب را ملیع جمیع خبرات و مبدأ کل حسنات دانسته و تنها بدلم زبان و خط ملی خود قناعت نکرده بجهت اخذ و کسب انواع علوم و هنر مخصوص امم دیگر در ممالک خودشان مکاتب متعدده احداث نموده هموم انبای وطن را بآموختن هر نوع لغت و کتابت و حرمت و صناعت عالم تشویق و بعلم و معرفت لوازم زندگانی و دواهی شرف و عزت و دواهی قلت و نکبت تربیت و تکمیل میفرمایند و در عوض مال موروثی اخلاف خود را کنوز علم و معرفت که زوالش محال است باقی میگذارند !

مسلم است که هیچ مباحثی بر اعمال حسنه و ترك سيئه و تشخيص حسن و قبح افعال و نيك و بدی صدق و كذب اقوال و معرفت بخواص و مضرت هر شئی از اشیاء قویتر از علم نیست . در اینصورت برای اجرای اوامر شرع شریف که حاکی توحید و اتفاق و ناطق فواید حسنات و ثوابت است البته تأسیس مکاتب و موجهات دوام و قوام مدارس و تکثیر کتب داخله و خارجه که دسترس اجزای بی بضاعت هیئت جامعه وطن باشد احسن واقع اعمال خیر میباشد . پس بر آنانیکه ضمیرشان منور است بنور ملت دوستی و وطن پرستی و استطلاعات مباحثی این افعال خیر یعنی توانائی طواف کسبه مقصود را دارند واجب است که همواره مسامی مجدانه بکار ببرند و خود داری و امساک را درین مورد جایز نشمارند و مبتنی از محصول زحمات خود را در این راه بذل فرمایند تا مدارس ما آباد و ماسکفین آنها بتوانند باسوهی تحصیل علم که تهذیب اخلاق و تصفیه باطن و آرایش صورت از مقدمات آن میباشد بخابند (باقی دارد)

اعلان

برای کسانی که خواستگار رواج ائمه تجارنی خود در ممالک خارجه مثل - ایران - ترکی - مصر - عربستان روس - افغانستان - ترکستان - و قالب ممالک اروپا و عامه بلاد آسیا میباشند روز نامه جبلالتین (که فقط يك روزنامه فارسی زبان در هندوستان است و محل توجه تمام اسلامیان و غیره واقع گردیده) بهترین وسیله است صفائی طبع - حسن حرف - و عمدی کاغذ آنرا اگر منحصر در فرد کوشش بافراق سخن نگفته ایم - معتزکن این روزنامه علی العموم امرا و عماید و تجار محترم و ارباب سیف و قلم اند - و بدون استثناء در تمام روی زمین کم یا بیش اشاعت می شود - هر کس هر گونه اعلان تجارنی و غیره تجارنی داشته باشد مطابق نرخ نامه - اداره در تمییز حاضر است - اعلان را بهر زبان خواستگار باشند بهمان زبان در اخبار داده خواهد شد و اگر ترجمه آن را هم بفارسی بخواهند (پس از تصفیه اجرت ترجمه که علاوه بر اجرت طبع اعلان است) اجزای اداره به ترجمه آن اقدام خواهند نمود - یقین است هر اعلانی که در این اخبار داده شود تا یک درجه مقرون بکامیابی خواهد بود (مبلغ جبلالتین)

اجرت ماهانه طبع اعلان

صفحه	اول	منهای	لوحه	۴۰	رویه
۴	دوم			۲۲	۴
۴	۲۴			۲۵	۴
۴	۲۳			۲۲	۴
	سائر صفحات			۲۰	۴
	یک ستون			۱۶	۴
	نیم			۱۰	۴
	ربع			۷	۴

اعلانی که کوچک چهار سطری یک مرتبه بگرویه

شرح اجرت طبع کتب و غیره

اعضای مطبع بهرابط ذیل برای طبع هر گونه کتب عربی - فارسی - اردو - و غیره حاضراند
 § (اول) - اجرتیکه قبلا در نرخ نامه معین شده

فقط برای نوشتن و یا حروف چیدن و طبع کردن کتاب است - قیمت کاغذ و اجرت صحافی و جلد بندی و غیره بخدمه مالک کتاب میباشد - ولی اجزای مطبع مستعداند که بهر قسم دستور العمل داده شود تمییز نمایند

§ (دوم) مطبع فمه دار جهت مطبوعات خود مطابق نسخه اصل است

§ (سوم) - میزان یک جزو را چهار صفحه یا دو ورق جبلالتین قرار داده ایم - اعم بر اینست همان قطع را چهار صفحه یا هشت صفحه و یا شانزده صفحه قرار دهند یک جزو محسوب خواهد شد - اگر اندکی (یعنی تا نیم انج - ربع کره) قطع کاغذ کم و بیش باشد بهمین اجرت محسوب خواهد بود

§ (چهارم) حروف درشت و متوسط و ریزه از ملاحظه لوحه اخبار جبلالتین ظاهر میتواند شد

§ (پنجم) - خط مطبوعات سنگی مطبع اعم از نسخ و نستعلیق و شکسته مطابق خطوط متوسطه رسائل بمبئی و سائر بلاد هند خواهد بود

§ (ششم) - برای مدت طبع بعد از تصفیه تمام امور فی جزوی ده روز مقرر است

§ (هفتم) نصف اجرت طبع پیش گرفته میشود و نصف دیگر پس از اتمام نصف (مبلغ مطبع)
 • • • نرخ نامه • • •

فی جزو	حروف ریزه	حروف متوسط	حروف درشت	خطی بمبئی
مزار	ده رویه	هشت رویه	هشت رویه	هفت و نیم رویه
باصدق	هشت رویه	هفت رویه	شش رویه	پنج و نیم رویه

اعلان

(ملزومات جبهه ورزش بدنی در خانه از)

(مختصرات دکتر ل - فیلات)

داشتن این اسباب برای هر کس لازم میباشد

قیمت یکدستگاه اسباب ورزش بقرار ذیل است

جبهه زنان و اطفال ۱۰ منات

برای مردان ۱۱ منات

این نرخ نامه برای ششماه یا یکسال کامل میباشد

مقاله یکی از دانشمندان

(شماره ۶)

(نیروی دولت ایران)

آیا ملت انگریز بجه سبب متحمل بار کران این مصارف فوق العاده حرب با ترالسوال و اوراژ میگردند و ایقدر نفوس در آن راه تلف مینمایند معلوم است دولت انگریز دولت مستبده نیست و اداره امور آن دولت معظمه سپرده بد اقتدار معدودی از مستبدین نبوده . و کابینه بدون میل و اجازه ملت هیچ کاری اقدام کردن نمیتواند . بلی چون قوم نجیب انگریز بر نکته لطیف (بی آدم اعضای یکدیگرند) واقف و بصیرند و فرقه از قوم خود را که در ملک بوژ توطن جسته اند ذلیل بوژان دیدند جبهه آرادى آنان دامن همت بر کر استوار نمودند و بهر گونه فداکاری و جان سپاری آماده گردیدند

و اما بوژان چون بر حقیقت (حب الوطن من الایمان) آگاه گردیده و دانسته اند جبهه حفظ دین و شرف ملیت نخست بر هر کس که از حس آدمی در او بهره هست نگاهداری و حراست حدود وطن و استقلال ملی لازم است آنان نیز بوجهه مردی و مردانگی با تمام هستی خود آماده و مهیا گردیده اند اینست که نهصد هزار نفوس با آنکه جمیع خاک آنان بشصرف انگریز آمده و جز حزب قلیلی از ایشان در میدان محاربه باقی نمانده در مقابل نهصد گرور نفوس بافاری نموده و دو سال نیم است با آن چنان دولت قویم قوی بجه مقابله و کار را بجای رسانده اند که اینک دولت انگریز مایل صلح است

بلی ملت انگریز چون از حق و قوف خود مستفیدند در راه شرف ملی و ششونک دولت خود از فدای صد هزار جان و دویت و پنجاه ملیون لیرای انگریزی که عبارت از دو هزار و پانصدگرور تومان بوده باشد مضایقه و خود داری نموده و بهر گونه فداکاری آماده گردیده اند

برای اشخاص قوی ۱۲ منات

برای پهلوانان ۱۳ منات ۵۰ قنک

(اختراع مخصوص)

یکدستگاه تمام ملزومات ورزش جبهه اهل خانه ۱۴ منات قیمت اسباب مذکوره با مخارج فرستادن روی هم است دستکش موسوم به " Jacques Royal " که جبهه دستهایکه عرق میکند نیز هست محل فروش در مسکو (روسیه) در مغازین (زاک) در کوچه (پتروکا)

No. 46000

اعلان دیگر

جبهه توسعه دایره تجارت میوه جاب و امتعه بقالی در محاک روسیه مایل بسروکار داشتن با خاهای مجارتی معتبره که تجارت کلی با امتعه مذکوره داشته باشند میباشد . میتوانیم همه نوع اعتبار خود را معلوم و معرفی شویم آناییکه طالب عمل داشتن ما ما باشند تکالیف خود را توقیم مکتوباً توسط کنطور شرکت اعلانات (س . ا . منسل) اطلاع بدهند که کنطور مذکور (مسیو ک . ک) برساند -

ادرس برای مکتوب قرار ذیل است

در پترسبورغ (روسیه) در کوچه (بالغایا)

(مارسکایا) خانه نمبر ۱۱

No. 51525

NOTICE.

All advertisements from Europe or with origin from Europe will exclusively be accepted by the

Advertising Agency

L. & E. METZL & CO.

MOSCOW AND ST. PETERSBURG.

By its branch-establishments and foreign agents. All inquiries from Europe concerning advertising in ' Hablul Matin ' are to be directed to the abovementioned Advertising Agency."

و از آلت بیوژان را همی کدام قوت در قابله
آنان بدون اندیشه و پرهیز به استقامت و استقامت
در این مدت مدید باز داشته بی آنان را نیز نیل بحق
وقوف مجبور از استقامت داشته که دو سال و نیم است
هر برابر آن هیکل قوی هوم و بلکه دچار مجزو
اضطرار نموده اند

معلوم است این حرب را دو ملت میکنند و هرگاه
ملتی از حقوق خود مستفید شد دولت و وطن دوست
میشود و چون ملتی آگاه شد در محافظه شئون ملی
و اعلاء نام دولت خود میکوشد و حدود ملک خود
را از هجوم دشمن محافظه مینماید

اینکه از اطراف دشمنان ملک و حقوق دولت و
ملت ما تجاوز مینمایند و دولت مان مقتدر بجلوگیری
و ملت مان در قید نیستند سبب است که بزرگان
مستبد ملت را بجزر گذارده و از قوای دولت به انواع
مختلفه کاسته اند خزانه دولت را که بیت المال مسلمین
است بغصا مینمایند و مجاهدین را از معاش یومیه
بی بهره میکنند هر کردن کلفت بیچاره متماقی را
به اسامی کونا کون مستمری می بخشند دیوان محاسبات
را دائم مفتوش و عمل استیفارا مفتوش میدارند

بی اگر عمل استیفاء و دفتر دیوان اعلا مضبوط
و منظم باشد يك بی ناموس بیچار نمیتواند باده اسم
بی مسما وظیفه و مستمری به برد دولت از بلجیک
جبهه انتظام دفتر مالیه مأمور مخصوص آورد دزدان
بی ناموس و دشمنان دین و دولت و هیئت مجموعه
ملت مأمور بچاره راراه ندادند و اسبابی فراهم آوردند
آن بچاره که در فن مالیات و معاملات ملکی ماهر و
از همل ضراب خانه بجزر است مأمور ضراب خانه شد و
همل مالیات صد درجه از اولش مفتوشتر کردید

بی بیجا مردم چون اعلی حضرت اقدس ولینعت
کل را رؤف و مهربان دیده اند آنا قانا بر خلاقاری
خود می افزایند اینک سالی نه کرور بتازگی از خزانه
میدزدند دولت را بدون سبب بیست و چهار کرور

(علاوه بر استقراض جدید) قرضدار نمودند نه از
خدا ترس و نه از ولینعت خود شرم دارند -
ای عامسای اعلام که حفظ شریعت و وظیفه ذمه
شماست - وای سلسله جلیله قاجار که حراست سلطنت
فریضه ذمه آنان است وای ملت شش هزار ساله ایران که
حفظ شئون ملی بر شما واجب و متعمم میباشد - چرا
در خوابید ملک از دست رفت دولت متزلزل است دین
و مذهب از میان میرود کجا رواست که شما سه فرقه
مقتدر در مقابل معدودی از اراذل ناس و سیدینان
خدا نشناس و متقلبان بدتر از لسناس عجز و مسقی
آغازیده وهستی و همه چیز خود را فدا نماید قدری
بخود آید و مصائبیکه ملحوظ است بخاطر آورده و
در رفع و دفع این متغلبین اندیشه بفرمائید قوای ظاهری
و معنوی خود را ضایع و باطل مگذارید

بی اصول استبداد است که نمیکند ملت برحق
وقوف خود آگاه گردد و کردار ناراستان و دشمنان
دین و دولت آشکار شود - روزنامه مقدس جبلتین که
جز خدمت بدین و دولت مقصودی ندارد از دخول
ایران ممنوع می آید (بی طیب بیرون خاق را رنجور
میخواهد) ذات اقدس شهریاری را بوحایس عذبه
بر آن وا میدارند - بی نمیخواهند دولت از خیانت های
آنان آگاه گردد - و ظالم ایشان در پیشگاه عدالت شمرده
آید - اصول استبداد است که ملت را از وطن منفور و
از غیرت دولت و وطن پرستی مهجور داشته - اصول
استبداد اصولی است که دیوان امور ملک و ملت را
از کوچک و بزرگ مسئول میدارد

و عدل و مساوات است که قلب عموم ملت را
باقوه کهرباشه بسوی مرکز می کشاند - و عدالت عبارت
است از تأمین حقوق که حق صریح افراد ملت است
باید دالت که اداره کیفیه جز جلب خوشنودی
- حضوری مداینین و تقبیح و توهین عموم تمدن
و خرابی مملکت و برپادی وحیت و ضعف دولت
بهره نذرند عجب اینجاست همان مدلهتیکه حضوراً بی

بلی کوو مصدق غلطی است مستبدیتند محض دور شدن از محضر آنان با آنکه میدانند عدم پابندی استبداد مایه محو آنالست قوت از آن وضع داشته و بدان اصول لغت و قرین می خوانند

نمیدانم چرا بزرگان اندکی تأمل و تعقل نمیفرمایند اگر وزیری با وضع حاضر در دربار دولت مایافت شود که هزاران کس مانند بسمارك محتاج بکسب دانش از او باشند هیچ کاری مقتدر تواند شد؟ و آیا نامش بینی نمر خواهد کردید؟ آیا استقبال او و خانواده اش تأمین خواهد بود؟ حاشانم حاشا - ولی در دول غیرمستبده که جز او مکافات از جنس عمل است مانند دولت آلمان قدر بسمارك تقدیر و افکارش با نتیجه و نامش ابدالدهر باقی و ملت بحسبه اش را بیادگار ساخته و استقبال دودمانش امن است

قدری بالاتر برویم آیا قدر هیچ سلطان عادل رؤف مهربان با این وضع شناخته میشود؟ لا والله - زیرا سلطان هر ساعتی ناچار از آنست که بخلاف ارادات ساعت قبل اراده صادر نماید چه سلاطین نیز بشرو بمقتضای بشریت از برای ایشان هم سهو و لسیان واقع میشود پس تجدید اراده و حکم عدم استقامت را ارائه مینماید و باعث تخفیف عظمت و شوکت و بزرگواری ایشان میگردد

ولی اگر اصول استبداد لغو و بجای آن اصول مشورت قائم گردد نخست مسلم است حکمت خطا ظهور مینماید و اگر هم سهوی واقع شود دولت و شخص اول دولت مشغول نخواهند بود

در این عهد پادشاهان بسیار کوچک که اصول معورت را اختیار نموده اند ملت آنان بطور فوق العاده ترقی نموده و از حد زیاده بر عظمت و شوکت شان افزوده و شخص اول آن دولت بدرجه شقی از پادشاهان بسیار بزرگ مستبد و صدر اعظم آنان معزز و محترم و مقبول القولتر مینماید

بلی دوام اصول استبداد ناشی از دناقت و رذالت

طبع برخی از منفعت پرستان کوتاه نظرست که میخواهند در برتواصل استبداد بیشتر از حد و حق خود استفاده نمایند - وهم ناشی از برخی اندیشه های بوج و فکرهای واهی و غلطان بی معنی است (باقی دارد)

داستان شکفت - و سرگذشت یتیمان

(از شماره ۲۶)

جناب خان - بحسب علو جنابى كه در شما موجود است برغیرا هم خود قدری نمیکذارید ولی نهایت السایت و مردانگی همین است که شما در حق من فرموده اید این را گفته توجه نظر بدختران خود نمود

دختران هنوز من وقت میکندم بر خرید شما را بخانه بپریم - نادره و جلیله بروی یکدیگر نگاه کرده هر دو بی اختیار گفتند بدر جان - امان .

موسی به نادره گفت نور دیده اینك در خدمت رئیس بشما امنیت میدهم و تعهد میبکنم چنانچه نخواسته باشید با ما مادری خود در يك خانه زیست نماید جبهه رعایت خاطر شما به تدابیر لازمه خواهم پرداخت .

صمدخان - آقا موسی چه تدبیر خواهی کرده ؟ جناب خان در اینکه والدین مفتون اولاد مینباشند جای سخن نیست زیرا اولاد جگر کوفته پدر و مادرند. لهذا از بدست آوردن اسباب امتزاجت جگر کوفته کان خودناگزیر است و در آن راه امر سخت و وظیفه مشکلی که پیش آید بر خود گوارا نموده و در اجرای مقصود قدسی پس نمیکذارند (درین اثنا موسی غضبانه نظری بروی (نادره) افکنده باز بسر صحبت خود رفت و گفت) بنده هم میخواهم وظیفه پدر را اجرا کنم لذا خانه علیجده جبهه تا مادریشان تدارك نموده تا آنان با کمال آسودگی در خانه قدیمی خود بنشینند . صمدخان بزوجه خود نگاه کرده گفت - فی الحقیقه این شخص پدر مشفق و فدا کاریست . رو بموسی

نموده آقا موسی واقفاً مبتلای مصائب اولاد خود
میباشید. ولی بنده شمارا

موسی - جناب خان شدنی شد میدانم پیش از
تحقیق مرا برحم می انگاشتید باوجود اینکه

آقا موسی - از شما يك خواهش میکنم به پذیرید
منتظر امر شما هستم هرچه اراده فرموده اید
بیان نماید

اگر امشب در هر حال مجبور از رفتن بسراب
میباشید شما خود تشریف برده و این ملک میرتان
نازنین را در اینجا بگذارید تا قدری راحت بشوند فردا
صبح آنها را با آهملای خودم بسراب میفرستم

جمله - پدر جان شما را بخدا - خواهش خان را
پذیرفته - امشب ما را در اینجا بگذارید خواهرم ناخوش

است من هم تازه میخواهم راحت بشوم . (موسی
نگاه خشمگین بروی جمله افکنده اگر کسی بدقت تمام
بروی مشارالیه نگاه میکرد منظور نظر و اندیشه قلب
اورا میفهمید ولی کسی باین نگاه موسی ملتفت نشد)
موسی آن پری بآنگاه را مخاطب نموده و گفت -

ای دخترک بی ادب تو نمی خواهی که بهر امانی بدرت
بروی ؟

آخ پدر عزیز من

چه میخواهی بگویی ؟

پدر مادو خواهر همیشه ترا دوست داشته و میدارم
زیرا شما پدر ما میباشید ولی در دنیا از آن چیزیکه
هر واحد و مراسم و از او نفرت داریم آن چیز
(بروی مادر نگاه کرد)

مادره - بی پدر جان آنها والده ماست . پدر
جان قربانت شوم متغیر مشو از شما نیاز مینایم اگر
سزاوار میدانای ما را در اینجا بکش و هرگونه اشکنجه
میخواهی بده لیکن بار دیگر روی آزن را بانسان مده
زیرا چنانچه او از ما نفرت دارد ما هم از او بیزاریم او
ما را بجان دشمن دارد لذا ما هم از او در مراسم . او
ما را دایم اشکنجه و عذاب میدهد ما هم بستم های

او مقاومت کردن نمیتوانم

بس است مادره . بس است مطلبرا بشما گفتم آیا
فهمیدید ؟

این حکفته بصمدخان متوجه و با دست خود
اشاره نمود که یعنی حالت کودکی اسب !! رئیس بروی
دختران یکنظر آسرا نه نمود آنان هم ساکت شدند :
سپس گفت

آقا موسی - از شما خواهش دارم اطفال امشب
در اینجا گذاشته فردا همراه خود ببرید خودتان می
بینید که هوا چه قدر سرد و سخت است وجود
ضعیف آنان تاب مقاومت بدین سورت سرما ندارد
جناب رئیس اطفال را در زیر عباي خود حفظ و
به اسب سوار نموده و خودم پیاده میروم تا نیم ساعت
به قصبه سراب میرسیم -

چون انکار از گذارن دارید بیشتر ازین بشما
اسرار مینمایم - ولی تنها از شما يك خواهش دارم
که پس ازین ترك دوستی فرموده گاهی اطفال را بخانه
من بفرست

بدیهی است اینقدر سربانها که شما در حق من
و طفلانم نموده اید ما دام العمر فراموش نموده و
اطاعت با امر عالی خواهم کرد .

صمدخان بزوجه خود متوجه شده گفت

ناطقه . تو هم بر خیز برای سکو دکان لباس و
پوشش تدارک کن و آنها را گرم تر بپوشان که اسرما
محفوظ باشند .

(ناطقه خانم) از ابتدای صحبت رئیس با آقا موسی
هیچ حرف نزده و در گوشه لافسه بود ولی خیلی
متفکر و با خود مشغول بود سخنان صمدخان ناطقه
را بهوش آورد و فی الفور از جای خودش برخاسته
و پیش شوهر خود آمده آهسته بکوشش چیزی
گفت . صمد خان پس از شنیدن سخن زوجه اش
زمانی متفکر شده بود

و آنچه ناطقه خانم بکوشش شوهر خود گفت در

آنی خواهیم نگاشت

(جنایت سائین دره)

نیم ساعت ازین صفت و گفتگوها گذشته بود که سه نفر از قریه پرکوش خارج شده میرفتند . معلوم است که یکی از آنها آقا موسی و دو نفر دیگر دختران او آدره و حبیله بودند موسی . خودش عنان اسیرا گرفته بیاده میرفت بجه سارا هم به اسب سوار کرده بود اطفال همدیگر را در آغوش کشیده ساکت و صامت متوجه سراب بودند . موسی از قریه پرکوش هم فرسخ که دور شد راه سراب را ترك نموده بطرف توه (سائین) متوجه شد طفلان بی توأم در روی اسب در اندیشه آتی فرورفته و متفکر بودند و اصلا نمی دانستند که پدرشان عنان اسب را گرفته بکدام طرف میرود . ولی آدره ملتفت شد که رفته رفته از قریه پرکوش دور گردیدند روی خود را بطرف ده کرده يك آه حائکاه کشیده در دل خود گفت الوداع ای زمین پر کوش که بست پنج روز تمام باعث و مشقت در روی حالت هلاکت گذرانیدیم و يك ساعت بود که میخواستیم صبی راحت بر آریه گرهون امان نداد اکنون میرویم الوداع ! .

فردای آروز که ماه ذیحده روز پنجشنبه ۴ ساعت از روز گذشته بود در قریه پرکوش ازدحام و حیرت بسیار بود اکثر آن جماعت زن بودند که در کوجه های ده ایجا و آنجا جمع شده باینکه صحبت میکردند یکی آه میکشید و لعنها به باعث واقعه غم افزا میفرستاد آن یکی تائف میخورد . دیگری گریه میکرد از آن جله دو نفر زن که یکی جوان و دیگری سالخورده بود در پیش در بزرگی ایستاده این صحبت میکردند زن جوان بدان سالخورده میگفت (باقی دارد)

سوانح عمری جناب حاسی زین العابدین آقا قاضی اف

(غمزه (۶))

پس از فراغ از تربیت اطفال مسلمانان بپیل و خواطر خود آراست و بمسرت و نشاط بمقصد

خود شتافت بنظر آورد که احداث مدرسه بجهت بنگاه مسلمانان نموده باشد . و رفع این تمامی راهم کلبه تجاید چه که میدانست بواسطه عدم تربیت و نبودن علم در میان رجال و لساء منازعه و هر روزها بمجاهد هست و ماهی نمیکرد که از خانه ها بانگ و اوپلا و از همه ها صدای غوغا بلند نماند و دعوای قسید و خصومت های غلیظ در میان طوائف بزرگ و قبایل عظیم که طاقت منجر بخون ریزی و آدم کشی است دست ندهد و پس از تحقیق معلوم می شود مردی بواسطه پائیزه نبودن لباس یا دست مال ما زن خود مرافعه کرده زن میکوبد این لباس را مثلا دوهزارچوب و نخته زدم و سه ساعت در میان آب خاکستر و آهک و قلیاب و ... خوانایدم و ما صابون تخمینا چند ساعت او را مشمال کردم و یکروز در آفتاب افکندم حال سفید نشده یا سیاهی او رفع نگردیده من چه معنی است و این فضیحت و رسوائی که عاقبتش طلاق و منحره پریشانی انجمنی و کسبخته گردیدن شیرازه کار قومی بوده همه بواسطه نداشتن علم و نبودن تربیت و معرفت بوده و علم آموختن به نسوان و تطمیع دادن به زبان بقدر احتیاج مغایرتی باعمال دینی آنها ندارد و بنات را وا داشتن به تحصیل عقاید مذهبی و وظایف شوهر داری و تریات خانه داری و ... باعث بر خوانانیدن فتنه های عظیم و ار دیاد گردیدن تناسل و توالد و الفت بازوج خود خواهد بود چنانچه درین قرن اخیره که دایره معارف عثمانیه باللسیه بدوایر دیگرش ترقیات کلی کرده یکی از اسبابش این است که من جمله دوازده باب مدرسه زنانه تنها در پای تخت خود مفتوح نموده شاه علی هذا (حاجی را) خیال قوت گرفت که مدرسه بجهت بنات مسلمانان بنا نماید مدرسه بنا کرد و روز بنای او را مصاصف فرمود با یوم تاج کگذاری اعطی حضرت امپراطور کل محاکم روسیه نیکلای دویم (الکساندرویچ) و بنام زوجة محترمة خان قاهزاده خانم امپراطریس الکساندر (فیدرونا)

دختر (غریب و لودیک - چهارم ارقین) که مادرش دختر
ملکه متوفاة انگلیس بوده مدرسه را موسوم ساخت و
از هر گونه لوازمات سنگین کوتاهی فرمود و از هنگام
تأسیس مدرسه تا اتمام آن بانصد (۵۰۰۰۰۰) هزارمنا
مخارج او را متحمل گردید و اول بیست نفر دختر از
ایتام مسلمانان معین نمود که خاصه بخرج ایشان اشتغال
به تحصیل نمایند و مدت تحصیلشان چهار سال
که سه سال زبان مسلمانان و یک سال روسی بوده
باشد و بیست نفر دختر مذکور که بجای میباشند سالی
هشت (۸۰۰۰) هزارمناک مسارف و مخارج آنها را معین
نمود که چهار سال سی و دو (۳۲۰۰۰) هزارمنا
از کیسه قوت و مردانگی در راه وطن پرستی و ملت
پروری کارسازی میدارد و پس از چهار سال دختران
همگی از عقاید مذهب و شریعت اسلام و هرهای
کونا کون از قبیل خیاطی - طبخی - رخت شویی
و ... مهارت نامه پیدا کرده فارغ العمل با شهادت نامه
فنی در نهایت بشاشت و حرمتی از مدرسه موصوف بیرون
خواهند آمد و بهمین طریق بیست دختر دیگر از ایتام
و بیگسان پیدا نموده بجای آنها منصوب خواهد شد
و از روز افتتاح این مدارس هر قدر پسر یا دختر
معین نموده پس از فراغت از تحصیل و بیرون آمدن
از مدرسه باز مجدداً بجای آنها همقدر منصوب و رقرار
میکند الحق والاصراف

سبب بسیار باید پدر پر فلک را

تا در مادر کیتی چه تو فرزند بزاید
اطوار روزگار و گردش لیل و نهار چنین وطن
پرست و ملت خواهی بخواطر ندارد و بسا قرنها بگذرد
چنین غیرت مندی از طوائف مسلمانان یا برصه
شهود و ملت پرستی و نوع پروری نه بگذارد بچشم
حقیقت و بینائی صرف نظر از امراض نفسانی و
خیالات هوائی هر کس ملاحظه نماید قرنی از دوره
قفقازیه پیش نکذرد و چند سالی کترک زود که خانه
از شهروده از بزرگان و سگسب و اهل حرفه پیدا

نشود که مردی یا زنی دست پرورده خواند لامت تربیت
این یکانه غیرت مند و این فرزانه سعادت مند نبوده باشد
و هر کسی بوسایل مختلفه در عالم مدنیت بهوش
بیامده باشد از تدارکاتی که او مهیا کرده است و هر
گونه اسبابی که باعث بیداری غفلت زدگان بوده است
فراهم نموده که شاید معنی وطن پرستی و خدمت بنوع
خود را سارن هم از و اقتباس بجایند من جمله نظر
بر آنکه در دول متمنه اروپا بدون کشیدن
شمشیر یا کشیدن نوب بحکمت عملیه و تدابیر فطیه
وضع (تیار) که نقالها با رویکر خانه باشد نهاده
بجراید بویسان آردی قلم داده اساس نفاق را
بر انداخته سباب رقابیت قوم خود را باندک توجهی
مها ساخته اند (حاجی را) خیال قوت گرفت
ابتدا بنسای (تیار) نماید که در آنجا قتل از
اعمال حمیده و صفات پسندیده و افعال رذیله و کارهای
شینه هر قومی از اقوام عالم بشود تا خفتگان بیدار
شوند و عبرت گیرند و بتدیه پذیرند که باعث عزت
دولتی نفسی واحد ممکن است بشود و بجاک بذات
بشاندن ملتی را یک شخص به تهنائی میتواند بکرت
مفاسد خائنین دولت و ملت را (تیار) به نقشه کشی
مخصوص جلوه میدهد و معاندین دولت و ملت ر
جراید قلم زنی ممدودی عرضه میکند رهتی دارد

عزاداری اهالی کلت

(از شماره ۲۶)

§ آقا محمد صادق و آقا محمد باقر تاجران اصفهانی
نیز در حسینه مرحوم حاجی محمد جعفر تاجر اصفهانی
والد ماجدشان هر عصر مجالس مانم را بسیار باشکوه
منتقد نمودند

§ آقا میرزا احمد صاحب تاجر خراسانی داماد مرحوم
حاجی کر بلائی محمد خان مرحوم علی الصباح در حسینه
مزبورده روضه خوانی بسیار خوب بی ریائی فرمود
§ آقا محمد حسین کاشانی و آقا مصطفی علی کشمیری
نیز از جانب نواب کامکار اجل اکرم افخم مزهائیس

§ آقا واثق علی نیز در تالیکنج ده شب تزیه داری
مفصل نموده

§ علاوه بر این مجالس ماتم داری در طایفه شیعه بسیار
بود که ما را فرصت شرکت در آن مجالس نهد
§ برادران سنت و جماعت مانند در کلکته چند
مجالس تزیه داری با شکوه منعقد نمودند -

§ نواب بهادر سید امیر حسین خان سی - آی - ای
ده شب ماتم داری خالصانه با شکوه تمام نمودند
§ منشی علیم الدین صاحب که یکی از رؤسای و
قدمای مسلمانان سنت و جماعت است نیز در خانه
خود هر شب مجالس با شکوه منعقد و تزیه داری
از روی خلوص مینمود

§ در تالیکنج شاهزاده آزاده پرنس محمد بختیار شاه
تزیه داری نمودند - مجالس تزیه داری صومیه و
خصوصیه نیز برادران سنت و جماعت ما خیلی منعقد
کرده اند مگر شرح هر یک موجب الطنباب است
همین قدر میتوانیم گفت مگر در میان سنت و
جماعت مانند امسال هیچ سالی تزیه داری رونق
نداشت

﴿ فاخبر بما ﴾

§ یکی از اصحاب نیسای و یرادی مسلمانان فاخبر
بیاست این عادت غیر مرغوب در قلوب اسلامیان چنان
جای گرفته که ما آن همه خرابیهای دینی و دنیوی که از
آدمی بینیم چشم بصیرت ماز نمیشود - این مقوله بزرگان
را باب زر توان نوشت -

(آدمی را بچشم حال نگر)

پس ما را بهتر است بجای اینکه میکوشیم بدرم فلان
بود بستایش خود کرامت و بجای افسانههای گذشته را یاد
کردن و بر شجاعت توکل و حکمت یونان و به فصاحت
هر بان ناز نمودن عملی دیگر اختیار نکنیم - یعنی
در صلاح حال و قابلیت خود مسامی حیه بکار بریم -
تا دیگر اقوام را موقع بوزخند بر ما دست نهد -
ذکر توانگری پس از مفلسی و شرح جوانی در هنگام

نواب بهادر مرشد آباد مدظله در حسیه (کل کوی) ده
شب روزه خوانی با شکوه نموده روزها نیز اطعام
فقرا و مساکین میشد

§ در حسیه مرحوم ملا عبداق شهاب روزه خوانی
زانه و صبحها روزه خوانی مردانه مینمودند آقا
زین العابدین فرزند ارشد مرحوم آقا محمد علی تاجر
شیرازی المعروف بچینا متصدی مجالس صبح حسیه
ملا عبداق بود و اطعم فقرا نیز بتو مع شایسته میشد

§ در دولت سرای جناب حاج سید صادق صاحب
تاجر شوشتی نیز هر شب مجالس زانه منعقد میکردید
§ در حسیه مرحوم نظر علی خان بتوسط جناب
حاجی محمد کاظم صاحب تاجر اصفهانی نیز هر شب
مجالس روزه خوانی زانه منعقد میکردید

§ در همدان عالی مرحوم حاج میرزا عبد الکریم
صاحب تاجر شیرازی بتوسط آقا محمد باقر و آقا
عبدالمحمد ولدان آن مرحوم هر شب مجالس ماتم داری
منعقد میکردید

§ در متیابرج مجالس مختصر و مطول بزرگ و کوچک
خیلی منعقد کردید من جمله در حسیه نوابه علیه عالمه
هر هفتس تاج الهند بیکم مرشد بتوسط جناب خان
بهادر حاج مولوی میرزا شجاعت علی بیک هر روز
و هر شب ماتم داری نیکو میشد

§ جناب حاجی محمد حسن تاجر کاشانی نیز هر عصر
مجلس روزه منعقد می نمودند

§ در خانه مرحوم آقا محمد حسن اصفهانی شهاب
مجلس زانه برپا میشد

§ در مسجد مرحوم میرزا علی بصراوی جنابان
حاجی محمود صاحب و میرزا محمد صالح صاحب متولیان
مسجد مجالس منعقد و همه روزه طعامداری نیز میشد
و شهاب نیز مجالس زانه منعقد میکردید

§ در همدان عالی نواب احمد علی خان مرحوم
نواب سید یوسف علی خان فرزند ارجمند ایشان همه
روز تزیه داری مفصل نمودند

روی نزد طلا همیشه محبوب بوده و هست -

ولی قالب ما مسلمانان این زمان این شیوه را هنرفای خود اتکاشته - قصصاتی که از تفاخر بجا باها میرسند غور نمی‌نمایم -

(اول) خیال خام آن است که ما از سلاله عالی هودمایم - ازین رو عادت جفا کشی در اطفال مسلمین نیست و در نوشتن و خواندن از کودکان اقوام دیگر پس‌تر می‌باشند و در مواقع امتحان ایشان را اکثر سوره ناکامیابی روی می‌نماید - عجب اینکه باوجود این علی صفیانه برای ناکامی خود دستار میکنند مثل اینکه طبع ما ریاضی مناسبتی نداشت و یا کاغذات انگلیسی امتحان بسیار دشوار و سخت بودند مگر حقیقه سبب ناکامیابی ایشان این است که از ابتداء عادت به سخت نکرده‌اند - ورنه

دیده ام در صحائف حکمت

کز طریق ریاضت افلاطون

وضع کرده است علم موسیقی

از سریر تحریک سکر دون

(دوم) آنکه چون زمانه لهو و لب با اختتام رسید و ایام شباب بی‌نیات درآمد بازم از تفاخر یسود باز نمی‌آیم و حالانکه این بلای عظیم است برای ماها باوجود عدم لیاقت نسبت به اقوام دیگر هوس ملازمت پسمده های جلیله در سرداریم - و باین خیال محال هر طفلی بی‌سکال می‌خواهد که خود را با فلاك جلال رساند -

خیال منصب عالی درین هنگام جاهل را

هانا باد را باشد بکلی مشت پیودن

(سوم) بوجه تفاخر بجا مسلمانان این زمانه شوق البسه فاخره چنان در سرجا گرفته که حصه زیادی از ثروت خود را تذر خیسا و بزاز می‌سازند در مسلمانان مقلدترین مردم هم همین خط بی ربط را دارند که لباس او از رؤسا و امرا کتر نباشد - هیروانی پنج رویه زرع - و کلاه قیمتی ده رویه بر

سراج کفاشته برسید کسب هوا طرف چار سوق را سیر مینمایند -

بولهای ما که باید با مورد ضروری صرف شود بطور بجا بتمام ریا صرف میشود مراد این نیست سکه برادران ما پارچه های کثیف و ذلیل در بر کنند - بلکه مسلمانان را لباس خوشها و پاکیزه پوشیدن از مستحبات اسلام است و (اما به نعمتک ربك فحدث) شاهد این معنی است - مگر پارچه های کران را بحال فقر پوشیدن دلیل حماقت و سفاهت میباشد

(چهارم) مسلمانان را علاوه بر خیال خوش پوشاکی عادت فضول خرجی دیگر هم هست افتاده همیشه سعی مینمایند که بر همکنانشان ظاهر نشود که آنها متمول و خوش حال هستند

به تفریب شادی - حفته - مکتب - تولد فرزند و نیز دیسکر امور خارج از حیثیت خود خرج مینمایند - و وقت سفر مرکب دخانی یا قطار راه آهن به صورت بجا بدرجه اول می‌نشینند - و در کارهای خیره چشم از حالت موجوده خود پوشیده رقم کثیر مینگارند - در ساختن مکان و آرایش اطاق براه تکلف می‌پوبند و چون حقیقت حال ظاهر میشود از پیشتر پیشتر شرمساری میکشند -

کند هر که اسراف در سیم و زر بخواری دود روز و شب در بدر

بی زری جرم نیست چرا باید انسان محض اظهار تمول از کلام خود بای بیرون کشد دولتیکه از روی احتیاط و کفایت شعاری تا بحیات اکتفا کند به فضول خرجی صرف نموده خود را و نیز اهل و عیال خویش را در دهان ازدهای فقر و تباهی و بربادی اندازد

ظاهر است سکه دنیای ظاهر پرست در نظر خواص هیچ وقتی ندارد و از اظهار تمول سودی حاصل نتوان کرد این مثل مشهور است که جز به دولت خویش بدولت قارون هم سکاری نتوان

نمود - کیرم اینکه مردمان ظاهرین به لباس ساده مارا
به نظر حقارت بینند - مگر از ذلتیکه از تنهای و
بربادی و تقاضای بجا حاصل میشود محفوظ خواهیم
ماند - اطلاق برحالت موجوده خواه عسر باشد خواه
پسر صبر و شکیبائی کردن از جاده اسلام بیرون رفتن
است لباس زور بپوشیدن و باطن خود را بپوشی
دیگر ظاهر نمودن حالی از دغابازی و ابله گسی نیست
پس انسان سست بنیاز را لازم است که بر ظواهر
و بواطن نظریه کفرنگی دارد تا از پسر فرحت بی
اندازه و از عسر کلفتی زیاده حاصل نشود نظر بکلیه
خیر الامور اوسطها بدارد - اینست صراط المستقیم ازین
انحراف و زیدن دلیل حرمان است - وما علینا الا
البلاغ - راقم محمد عبدالرحیم - لطف دیوان

مکتوب از اسلامبول

مدیر محترم روزنامه مقدس را البته پوشیده نیست
که در اسلامبول تقریباً از بیست سال اینطرف یک
مدرسه باسم دبستان ایرانیان بار کرده اند و همه ساله
قریب هشتاد نفر از اولاد و اطفال نجار و کسب و
فقرا و مزدوران حق چهار با داران در آنجا تحصیل
میککنند و مدت تحصیل این اطفال شش سال است
آنها یک اولیائشان با استطاعت هستند از مخارج خودشان
تربیت میشوند و اطفالیکه قبیرو بی بضاعتند از وجوه
اطافه و کسره های سفارت کبرا که برای نفع این مکتب
تشکیل میشود نگاهداری میشوند -

باین اطفال که بجان هستند در ظرف شش سال
مذکور همه ساله در ایام عید سال نو یک دست لباس
مخصوص از مدرسه مزبوره میدهند که بالباس سایر
شاکرمان این مکتب که غالباً از متمولین و اعیان میباشند
هیچ تفاوتی ندارد و کلیه آنها بیک قسم تربیت شده
و تحصیل مینمایند

واضح است وقتی که مدت شش سال اطفال فقرا
و مزدوران و چهار با داران و غیره در دبستان ایرانیان
هم چنین اطفال نجار و متمولین میشوند و در مواقع رسمی

بسفارت میآیند و با محترمین و اعیان لغت و برخاست
میککنند بعد از فراغ از تحصیل مدرسه می بینند
رفقای خودشان یعنی اولاد اعیان و تجار مریک در
حجرات پدر خود جاهای محترم با یکمال استراحت و
فراغت خیال مشغول کار و شغل پدری شده و دنیا را
بآسردگی و غوشی میخفراهند

ولی آن چهارهای بدبخت اگر بخواهند کسب معیشت
نمایند ناچار باید کسب و کار پدران خود را که عبارت از
حالی و چهار باداری و مزدوری و بیه دوزی است
پیروی نمایند و یا بیکارمانده و شغل بدست نیآورده از
کرسنکی تلف شوند و یا لابد شده بشاکرد آسپزی و
و حالی وغیره خواهند پرداخت

در اینصورت آشکاراست از برای این اطفال
بچاره بعد از تمام کردن تعلیم دبستان و دارا شدن
امتیازنامه تحصیل روزگار چقدر سخت خواهد بود

لذا جناب مستطاب اشرف پرنس ارفع الدوله
سفیر کبیر و سردار دامت شوکه العالی بفکر تأمین آئینه
شاکردان فقیر این دبستان افتاده در موقع تحویل سال
فرخنده قال که جمعی کثیر از علمای عظام و اعیان نجار
قوی الاحترام در سفارت کبری تشریف داشتند جناب
اشرف معظم له در مجلس لطفی - در باب محسنات تأسیس
شعبه از صنایع را در دبستان ایرانیان بطریق اکل
والیق بحضور بیان و فواید آنرا آشکار نمودند -
جمیع آقایان و حاضرین فرمایشات جناب مستطاب
اشرف سفیر کبیر را پیروی و تصدیق کرده و عده
مساعدت و همراهی در این نیت مقدس جناب اشرف
معظم له دادند

فردای این روز که در تالار بزرگ سفارت کبری
جمع کثیری از نخبه دولت علیه رسماً پذیرائی میدهد
جناب اشرف سفیر کبیر بعد از ادای تهنیت و
تبریکات معموله باز شرحی در خصوص مطلب مزبور
بمضار بیان فرمودند - در این اثنا عالیجناب (جلال
الاس بلک) محرر روزنامه معلومات و ثروت ترکی که

در آن مجلس حضور داشت بقدری از نطق جناب اشرف معظمه متاثر گشت که بی اختیار از جای خود برخاسته در مقابل جناب اشرف سفیر کبر اہمیتادہ بدین مقالہ متونم کردید

چون بنده می بینم کہ جناب اشرف عالی در این ساعت فرخندہ آیت در فکر رفاهیت حال و تأمین مال اطفال بی بضاعت دبستان ایرانیان هستند و بنده کہ خودم شخصاً از زحمت دست و برکت قلم خود تحصیل معاش میگیرم استدعا دارم این دہ منافع را کہ اجرت زحمات تحریر بنده است از بنده بہ پذیرید - تا این یک عدد سکہ طلا از بنده اول سنک این بنای خیر باشد و بنده ہم تکلیف انسانیت خودم را در پیش خدا و نفس خود در حق ہم پیشگان خودم ادا کردہ باشم

جناب اشرف سفیر کبر ہم ما کمال امتنان دہ منات را از (جلال بیگ) گرفته خیلی تشکر کردند و خطاب بحضور مجلس نموده فرمودند خوب است ما ہم در همین جا باین شخص محترم تاسی بکنیم - و قبل از ہم خودشان مبلغ دہ لیرہ تقد عطا کردند و دو لیرہ ہم از جانب فرزند ارجمند خود ارفع السلطان یک لیرہ از طرف جناب بقاء السلطنہ کار پرداز اول از میر و یک لیرہ از جانب جناب مفخم السلطنہ کار پرداز اول جدہ کہ برادران کہتر جناب اشرف معظمہ هستند تقداً ادا نمودند

پس از آن اجزاء سفارت سنیہ سکبری ہریک بغزاخور حال برای خدمت بجام انسانیت مبلغی ایشار کردند

و بالاخرہ اغلب از حضار مجلس کہ از علماء و سادات و تجار و کسبہ وغیرہ و جمعی ہم از ملل مختلفہ بودند ہریک در همان وقت وجہی تقدیم داشتند انشاء اللہ صورت اسامی اشخاص اطافہ بدہ آن مجلس با تعیین مبلغ وجوہات بتوسط بست آئندہ فرستادہ خواهد شد و در ظرف بازردہ دقیقہ مبلغ یکصد و پنجاه لیرای عثمانی

کہ عبارت از هفتصد و پنجاه تومان پول ایران باشد جمع شد

بنا بر این جناب اشرف سفیر کبر شب آروز را کہ با جناب سلیم پاشا وزیر و معاون زراعت و جنگل دولت علیہ عثمانیہ ملاقات نمودند خواہش کردند کہ مدرسہ صنایع عثمانی را بایشان نشان دادہ کہ بعد از تحصیل اطلاعات کاملہ چہار شعبہ صنعت بزودی در دبستان ایرانیان دایر نمایند تا اطفال فقرا ی ایرانیان ہم تحصیل سواد و کمال و معرفت نمایند و ہم صنعتی بیاموزند

چہار شعبہ صنایع عبارت است از نقاشی - قندرقہ سازی - خیاطی - نجاری - و حقیقہ این بنای بزرگی بود کہ در این عہد نام نامی جناب اشرف معظمہ و ہمت محترمین اتباع ایران در اسلامبول بنیاد کردید

میتوان تصور نمود کہ انشاء اللہ تعالی پس از آنکہ از ترتیب مذکور دو سہ سالی بگذرد در ہرسال قریب چہل نفر از اولاد فقرا و مردمان بی بضاعت ایران در اسلامبول ہریک صاحب یک رشتہ صنعت پر منفعت بودہ و از این مدرسہ با امتیاز نامہ مخصوص بیرون خواهند رفت و با سرمایہ مضوی کہ دارند خواہ در ممالک عثمانی خواہ در ممالک محروسہ ایران کہ وطن خودشان است بطریق حلال تحصیل معاش و لوازم زندگان خودشان را خواهند نمود

و علاوہ براینکہ این اشخاص مادام الممر آسودہ خواهند بود چقدر باعث انتشار سواد و خط مملکتی خود و معرفت در میان صنعتگران ایرانی خواهند شد محسنات این کار بیش از آن است کہ در اینجا تحریر

در آید و این مسئلہ ہم از نوادر اتفاقات است کہ در روز عید حککہ نام مردم بہ تبریک و نہایت آمدہ و مسبوق نبودند حککہ در سفارت چنین تکلیف خیری تا نما خواہد شد تقداً و فی المجلس مبلغ هفتصد و پنجاه تومان پول مدہند این نیست مگر از حسن نیت خبریہ و مقاصد حسنہ جناب محتطاب اشرف مؤسس این بنای

مقدس که در خدمت به عالم انسانیت خاصه بملکت و وطن خود باقصی القایه تصور رسیده است - امیدواریم خداوند جناب مستطاب اشرف معظمه را بطوریکه در ضمیر منیر شان است در خدمت به ملت و مملکت خود موفق فرماید

(جلدالتین)

§ فضائل این محل بالاخر از آن است ما بتوانیم شرحی در تمجید و تکریم مؤسس این بنای مقدس بیان کنیم - و فواید این کار روشن تر از آن میباشد که شرح و بسطی در مفاد و منافع آن ذکر نمایم - پس هتآست که صرف بدعای و حود مبارک جناب اشرف سفیر سفیر قناعت نموده ترقیات ایشان را خواسته امثال این و حود خیرخواه ملت و دولت را در رجال دربار و امنای ایران از درگاه احدیت مسئلت نمایم

﴿ صورت خطابه دبستان ایرانیان اسلامبول ﴾

§ شاکردان دبستان ایرانیان در موقع شرفیابی بحضور جناب مستطاب اشرف سفیر کبیر دامت شوه العالمی در عید نوروز تقریر نموده اند

زهی سعادت برای ما بر آوردگان دست تربیت ملت و مستغرق العام دولت ابد مدت را که در این عصر مینا من حصر در زیر سایه ما وایه چنین شاهنشاه معارف پناه ترقی خواه از نیجه جهالت رهائی یافته اکتساب انواع فضایل و تحصیل علم و ادب و پرستش وطن مینمایم -

خوشا به حال ما که بمشاهده اینهمه عیشهای روح برور از حسیص فلت و خاکساری بمدارج عنزت و نامکاری ارتقا میجوئیم

تخت عالی بخت ایران و دیهم و افسرکیان چنین شهریار پسندیده کردار را همی سوه که از بر تو وای مهر بیضای آنوجود معالی سرشت امروز روز در هرطرفی از اطراف مملکت دبستانهای دانش و بینش باز و انسانی وطن در شاهراه ترقی و مدنیت روز

افزون خطوه انداز است

لها ما جان نثاران دانش پژوه را فرض عین و عین فرض است که در مقابل چنین نعمت عظمی و موهبت کبری هر صبح و مسا دعای فزونی مهر و سلطوت و ازدیاد پیروزی و شوکت شاهنشاه کار آگاه خسرو گردون بارگاه متبوع منعم و ولی نعمت اعظم ایرانیان بندگان اعلیحضرت اقدس هاپون مظفرالدین شاه را حکه نوسن بختش رام و روزگار فرما روایتش پاینده و بکام باد از درگاه ایزدی درخواست نمایم

در این روز فبروز و عید نوروز حکه بادراک شرفیابی حضور مبارک بندگان سفارت بنای نائل و سرافراز آمده ایم بزبان بی زبانی حکه داریم جمارک ورزیده بعرض تبریک و تهلیت میردازیم و دست نیاز بدرگاه بی نیاز برافراشته مسئلت مینمایم که فروزنده اختر سپهر دانش و درخنده خورشید آسمان بینش حامی علم و عرفان و مردمک چشم افتخار ایرانیان بندگان حضرت مستطاب اشرف آقای برلس ارفع الدوله مدظله العالی که اندیشه و آرزوی جز پیشرفت دبستان و اندیشه جز پیشی جستن دبستانیان در دل ندارند در پرتو خسرو کیتی ستان بهمه کونه فرایش و برتری توامان آید

از طرف عموم هیئت دبستان ایرانیان اسلامبول

﴿ راه آهن قونیه به بغداد ﴾

§ مؤیدالاسلاما - مدتیست که اخبارات آسیا و اروپا مسئله راه آهن قونیه به بغداد و بصره را موضوع بحث قرار داده اند لازم دانستم که شرح آن راه را برای درج در روزنامه مقدس قلمی دارم

چندیست استدا شرکت آلمانیه در مجلس شورای دولت جلیله عثمانیه تحت مذاکره بود تا اینکه طاقت امتیاز مزبور را بشرکت مذکور داده فرمان آن صادر گردید

تعمه خط مذکور بموجبی که در روزنامه صباح ترکی مطبوعه اسلامبول داده شده ازین قرار است -

ابتدای خط مذکور از ولایت (قونیه) است که (آنجا) انتهای خط شندفر اسلامبول است (از قونیه گذشته میل بجنوب شرقی مسکوره همراهی (قرمانیه) و (ارغلی) را سکه دارای معادن زغال سنگ است طی و از همراهی (قلیبه الحصبه) که نزدیک خط آهن کوچک بین سکه (برسین) و ولایت (آطنه) و (طرطوس) است گذر نموده به (آطنه) رسیده پس از آن از (آطنه) مایل بشمال شرقی شده تا قصبه (عنابیه) و از ملحقات لواء (جبل برکات) است

از آنجا ارکوهسای بلند عبور نموده به بلد موسوم (قازان علی) من و لایت حلب عبور کرده خط مذکور از بلاد (ذات حزون) و (بطون) و از (کروطنخ) و بلاد (قورش) گذشته خواهد رسید بقصبه موسوم به (کلسن) از آنجا ملحقه بسوی مشرق شده خواهد رسید به نزدیکی (تل حبش) بمسافت (۱۵) کیلومتر و منتهی خواهد شد بخط آهن کوچک بین (حلب) و تل حبش مزبور که مسافت آن (۶۰) کیلومتر است - پس از تکمیل خط مذکور تل حبش هر مشهور (فرات) را تلاقی شده مایل بشمال شرقی مسکریده از جنوب ولایت مشهور (بیره جک) بمسافت (۲۰) کیلومتر عبور خواهد نمود

پل بزرگ آهنی در اینجا جبهه عبور خط مذکور تعمیر خواهد شد - پس از آن این خط خواهد رسید ببلد موسوم (حران) و از (حران) يك خط فرعی الی بلد (ورقا) که طول آن (۴۲) کیلومتر باشد کشیده خواهد شد - سپس خطی از آن راه مذکور از بلد حران خواهد رسید بقصبه موسوم (راس المین) از ملحقات متصرفیه (دیر زور) که ده منزلی شاه و واقع بین شام و بغداد است - من بعد از طرف شرقی حرکت نموده بخط مستقیم الی (نسیین) در ولایت (دیاربکر) خواهد رسید و از آنجا مایل بجنوب شرقی شده همراهی بزرگ راهی نموده وارد ولایت (موصل) خواهد گردید و قریب موصل از نهر (دجله) که آنجا پهنایش (۱۲۰) متر است عبور و در کنار شرقی نهر مذکور حرکت نموده وارد ولایت (تکرت) خواهد شد پس از آن به (سندیه)

رسیده از آنجا خطی (بخاقین) که فرع خط مذکور باشد کشیده خواهد شد و سپس از سندیه خط مزبور (بغداد) را زیارت مجدداً از نهر فرات و دجله عبور نموده وارد (کربلا) و (نجف) شده از نجف عبور بسمت (زبیر) کرده از زبیر واصل بولایت (بصره) خواهد گردید و انتهای خط مذکور کویا بصره است - و از زبیر يك خط فرعی بتخلیج عجم کشیده خواهد شد که تاکنون غیر معروف است

➤ راه آهن حجاز

§ در تعمیر راه آهن حجاز باکال سرگرمی و همت مشغولند - خط آهن مزبور تا قریب (عین الزرقاء) که شش منزلی شام است کشیده شده تا نیمة شهر صفر (عین الزرقاء) کشیده خواهد شد مراجعت حاج همراه عمل از (عین الزرقاء) باشند فرالی شام خواهد گردید عملیات ترابیه که کوفتن و زمین هموار نمودن راه باشد بدو منزل بالای عین الزرقاء رسیده

تمام گذشته جمله اطراف که با داره سکه جدید حجازیه رسیده عبارت از (۴۶) میلیون و (۶۹۴) هزار و (۲۶۱) فروش صنایع است (هرسد فروش يك لیرای عنابی است)

➤ راه آهن حیفاء و شام

§ در حله خطوط راه آهن دولت عنابی راه (حیفاء) و (شام) است حیفایکی از عسکلهای بحر سفید عنابی و واقع بین (بیروت) و (یاقا) و (بیروت سعید) میباشد قریب متصرفی (عکا) است سابقاً دو کمپنی امتیاز ساختن این راه را گرفته قدری راه ساخته و رشکمت شدند این روزها دولت علیه عنابی اهمیت راه مذکور را ملاحظه نموده خط مزبور را با لوازم آن بمبلغ يك صد و پنجاه هزار لیره از (سیو بیلیخ) و شرکاء خریداری نموده که شرکت مذکور تمام لوازم راه را تقدیم نماید و وجه را در دو سال بدو قسط باز یافت دارد بموجب امر تلگرافی - فریق جدیدی با بنا والی سابق ولایت (بصره) که در (بیروت) بود بنظارت راه آهن مذکور تعیین شده و از بیروت عازم حیفاء گردید

➤ راه آهن ریاحی

§ در تعمیر خط آهن (ریاحی) تا قصبه (حما) که بین حلب و شام است بکمال سرگرمی مشغول

هستند این روزها خط مزبور به (بلیک) رسیده و تا آخر تابستان هذه السنه این شعبه راه آهن کامل خواهد شد

◀ عزاداری کقمیر ▶

§ در عشره محرم - حنفیه (جدیل) چنانچه همه ساله عزاداری میشد امسال نیز تا کمال رونق و شکوه مجالس تزه ناری منعقد گردید - بالغ بر پانزده هزار نفر شیعیان ازدحام نموده مشغول عزاداری بودند مجالس از ساعت ده الی ساعت شش منعقد میگردد نانی و ساسی این مجالس سادات جلیل القدر جلالی اند که خداوندشان ترقی بخشد و باوج حرمت رساند و این سادات جلیل امره ز رئیس تمام شیعیان قطعه هشت نکبت کقمیر اند

◀ طاعون هندوستان ▶

§ از فهرست تلفات طاعونی هند چنان مستفاد میشود که رفته رفته این مرض منحوس تخفیف یافته چنانچه در هفته که آخر آن بیست و ششم شهر ماضی بود عده تلفات طاعونی تمام هندوستان همده هزار سیصد و دو نفر بشمار آمده است - و حال آنکه هفته قبل از آن نوزده هزار هفتصد دوازده نفر تلفات طاعونی را بیان نموده اند - در صوبه پنجاب دوازده هزار و سیصد و یک نفر - در علاقه بمبئی هزار و شصت و هفتاد و سه نفر - در مملکت بنکال بالصد و بیجا و سه نفر - در ممالک مغربی و شمالی هشتصد و شش نفر - تلفات طاعونی بوده است

◀ قحط زدگان هند ▶

§ نسبت هفته گذشته (۱۲۸۱۲۳) نفر بر عده قحط زدگان هندوستان افزوده است - در صوبه بمبئی (۶۴۸۵) در پنجاب (۲۳۳۰) در مارواره اجیر (۸۶۵) در امارات بومی بمبئی (۹۳۵۶) در ممالک متوسطه هند (۸۳۱۵) در امارات راجپوتانه (۱۶۴۸) جمله قحط زدگان که تقدماً در کارهای رفیع قحط مشغول اند (۲۰۱۹۲۸) میباشد منجمه آنها در صوبه بمبئی (۲۲۸۲۱۹) اند

◀ حریق ▶

اول شهر (می) وین ساعت نه و ده صبحی حریق عطلیس دن (پونه) واقع میگردد که متعجب بخیر این

کارخانجات نبانی و کیمیاوی و مدرسه علوم طبیعی گردید تاکنون علت این حریق غیر معلوم است یکی از طلاب و دیگری از حملجات در آن کارخانه موجود بوده میگویند وقتیکه آتش شعله ور شد یکی از ظریفیکه حریق داشت ترکیده مزید بر آن اشتعال گردید کم کم آتش به تخم های نمونه و اجناس دیگر سرایت نمود این عمارت عالی یکدفعه پست گردیده تل خاکستری شد و تا در باز آتش مشتمل بود - سپس کارخانه کیمیاوی که متصل به کارخانه نبانی بود مهمل گردید حملجات اطفایی در خودکی آتش کال سی و جهد را نمودند ولی بواسطه قلت آب کاری از پیش نتوانستند برد در قرب دروازه کارخانه نبانی جوان هندونی را سوخته یافتند معلوم میشود که در حین فرار رواج ادویه او را بخود کرده طعمه آتش نمود - سقف عمارت کارخانه کیمیاوی خراب ولی مکانات و اسباب آن ضایع نشده است بسیاری از اسبابهای قیمتی که بعد از زحمات بسیار بدست آورده بودند در این حریق از میان رفته است

◀ مسلمانان هند و جشن تاجگذاری پادشاه انگلستان ▶

§ در انجمنی که در دهلی رؤسای اسلام ملحق نمودند این امر تمغیه پذیرفت که نهایت نامه با مضای جمیع مسلمانان بذریعه جناب (لاردرگزین) فرمانفرمای هند در جشن تاج گذاری دهلی تقدیم نمایند و رقه نهایت نامه موشح خواهد شد به نقشه مسجد جامع دهلی و سند بقیه که ورقه مزبور در آن گذارده شود قره خالص و دستکاری یکی از صنایع هندوستان خواهد بود

سرکر این انجمن دهلی قرار یافته و در هر شهر شعبه از آن برای گرفتن دستخط از جمیع مسلمانان ملحق خواهد شد - بوم یکشنبه بیست و هفتم شهر ماضی انجمن مرکزیه در (تون هال - تالار بلدیة) دهلی انجمن مرکزیه منعقد گردید - نواب محسن الملک و حاجی اسماعیل خان از علیکده - نواب اسدالله خان از میرته - شیخ عبدالله از سهارنپور - عبدالله سلطان و محمد عمر خان از قازی آباد - خواجه شادشاه از لودهیانه - کرنل عبدالحمید خان از بیلاهد - محمد اسلم حیات خان از کجرات - نواب بهادر سید امیر حسین خان و خان بهادر صاحب مولوی میرزا شهابت علی

یشتد و بعد قسم علی از کلکته - شریک مجلس بودند بدو
 تلگرافی سکه از مرهانیس نوابه عالیہ تاج‌الهند بیکم
 مرشد آباد - و آریبل سرجمتیس امیرعلی و دیگر عماید
 سکه معذرت از شرکت نموده و همراهی خود را
 اظهار داشته بودند قرائت شده شاهزاده آزاده
 نوابا جاب را صدر مجلس قرار داده سپس نواب محس
 الملک تقریر مفصلی نموده شمس‌العلما مولوی نظیر احمد
 و سایرین بعضی از مراتب لازمه را پیش نموده رئیس
 این انجمن بزرگ (صدر جنرل کمیٹی) مرهانیس نواب
 بهادر رامپور انتخاب شدند - نواب محس الملک مهمتم
 (سکرتری) و صاحبزاده سلطان احمد خان قائم مقام
 (سکرتری) قرار یافتند مجلس مملو از مردم بود بعدی
 که جای بر جلسیان تنگ گردید پس از سه ساعت
 کامل اهل مجلس به اماکن خویش باز گشتند

اخبارات داخله

§ مرض آبله در شهر (بنه) شیوع پیدا نموده مورت
 وحشت اهالی گردیده است

§ فرما فرمای هند وارد (مسوری) شده در عمارت
 (کشتری - باشری) قیام فرموده برای بازدید تالار محکمه
 صفائی بلد تشریف برده بجهت تشریفات ایشان دو طرف
 راه را آذین بسته بودند - پس از ملاحظه آن در
 اداره حربیه رفته در آنجا محکمه صفائی بلد خطابه
 خیر مقدم تقدیم نموده و علی‌الرسم هدایای خود را گذرانید
 فرما فرمای در جواب لطق مفصلی داده بساعت چهار
 همان روز از (مسوری) حرکت و بجانب شمل
 رهسپار گردیدند

§ یکی از قطعات طریق که بانزده سال در مملکت برمه
 پنهان بود و چند مرتبه مرتکب قتل و قارت شده
 اینک گرفتار گردیده است ۴۰۰ روپیه وجه نقد نیز نزد
 او یافته‌اند

§ زوجه محترمه فرما فرمای هند (لیدی کرزن)
 با همراها نشان يك روز قبل از (لارڈ کرزن) وارد
 شمله بسرگردیده با شوهر نامدار خود ملاقی شدند
 § بالغ بر هزار نفر حجاج بیت الله الحرام از مکه
 مغلیه بتاریخ ۲۲ و ۲۳ در جهاز (شاه نور - واکبر)
 وارد بنگالہ بمبئی شده و تحت نگرانی پلیس بدیانه
 در (مالت بندر) میمانند - میگویند چار نفر حجاج

در جهاز (شاه نور) ترك زندگانی گفته‌اند
 § افواه است که در جشن تاجگذاری اعلیحضرت
 پادشاه انگلستان که در جنوری ماه سنه (۱۹۰۳) در
 دهلی خواهد شد برخی از قیدیان هندوستان را که اول
 مرتبه مرتکب جرم شده و کردار شان هم ناپسندیده
 نیست آزادی خواهند بخشید

§ نواب اشرف والا مرهانیس سر سلطان محمد شاه
 برای شرکت تاجگذاری اعلیحضرت ادورد هفتم
 مدعو بنشدن گردیده و از پیشی بجانب انگلستان حرکت
 فرمودند و از طرف مرهه ایشان از عرب و عجم
 و هندی خطابه های تبریکه بز توسط ایشان
 تقدیم شده سکه در موقع خود به پیشگاه سلطنت
 انگلستان پیش فرمایند

§ مولانا ابو محمد ابراهیم که از رفاظ نامی اسلام
 و ساکن (آره) بود در حبس احرام حج ندای حق
 را لیک اجابت نمود رحمة الله علیه

§ آریبل مترجمتیس بدرالدین (قاضی عدالت‌العالیه)
 بمبئی ریاست مجلسیکه یوم پنجشنبه مسلمانان شهر مزبور
 منعقد نموده بودند منتخب شده در آن مجلس این
 مسئله تصفیه کردیده که از جانب مسلمانان بمبئی
 تهنیت نامه بمناسبت تاجگذاری اعلیحضرت پادشاه
 انگلستان تقدیم نمایند

§ مهتر جنرال - و نواب در - و خان نواکشی
 و برخی از سرداران دیگر سرحد در درباری که
 فرما فرمای هند در پشاور منعقد خواهند فرمود
 شرکت خواهند داشت

§ افواه است که والا حضرت امیر کابل بمشوره
 سرداران افغان و اخوان ترام خویش فرمان را که
 برای آزادی و دخول مهاجرین بخاک افغانستان صادر
 نموده بود منسوخ فرموده است

§ در (چوباره) که از مضافات تشکیل است بشدت
 ژاله باریده یازده نفر را تلف نموده هفتاد باب همراہ ترا
 منهدم ساخته علاوه بر این نیز نقصانات بسیار رسانیده است
 § در امارت میسور یکی از عورات هنوز در امتحان
 (اف - ای) بدرجه اول کامیاب گردیده است و این
 اولین زنیست از هند که بعد از عروس بدین درجه
 لیاقت علمی نائل گردیده.

و غیره سیزدهم اپریل بعد از آنکه یکصد و چهار مراحل زندگانی را طی نموده بود در شهر (اندور) این جهان فانی را وداع گفت

◀ کلکتہ ▶

§ سورت کرمی هوای کلکتہ روز افزون پیش می شود و درین هفته نیز چند نوبت باران های نافع باریده مرض طاعون روز بروز تخفیف می یابد. چنانچه بنارنج دوم شهر جاری تلفات طاعونی بعصمت رسیده و عده تمام اموات هشتاد و نه نفر بوده است

§ یکی از هنود برنابکده در محکمه پلیس (علیپور) بجرم حمل سکه های ناجاژ، قلوب که خود ساخته و در بازار می فروخت یک سال سزای حبس یافت

§ یکی از زنان عیسویه ساکن (ایلیت لین) چندبوم قبل به همشیره خود اظهار داشته بود که از علت بیماری طفل خویش از جان خود سیر شده بوم جمعه ۲۵ ماه جاری هفت آه تریاک طلب کرده و نوشیده بکهنه گذشته در بیمارخانه جان باخته برادر خویش نائل گردید

§ امالی (کوا) که از مستعمرات دولت برتگیس در هند است و مقیم کلکتہ میباشند انعقاد مجلس نموده تصفیه کرده اند که از جانب رعایای دولت برتگیس مقیم هند نیز لازم است که در جشن تاجگذاری اعلیحضرت پادشاه انگلستان تهنیت نامه تقدیم نمایند

کشنر پلیس مارؤسای تلکراخانہ و کپانی ترموه برقی هزار می نماید که باو اطمینان داده شود که فمه دار قصانی شکستن سیمها و مفتولها در خیابانها بفرود و این امر را ظاهر دارند که حفظ نفوس رعایا را چه گونه خواهند کرد

§ در محکمه پلیس (علیپور) مرافعه دزدی پیش آمده است که یک شب در تالیکنج سه خانه را بریده بود این دزد طرار خود را باهالی محله کور شناسانده و این وسیله کنجکاری از خانه های مردم می نمود حاکم محکمه پلیس یکسال حکم بقیدش صادر نمود

§ این ایام درحسبیه مرحوم نظیرعلی خان از ساعت شش الی ساعت نه باهتمام جناب مستطاب حاجی محمد قانم صاحب تاجر اصفهانی مجلس ماتم داری منعقد میگردد

§ در شهر آکره بین مسلمانان برای دفن نعزیه در کربلای مصنوعی نزاع واقع شده بزد و خورد هم رسیده است. در عمل مستحب مرتکب عمل حرام میشود § پیمایش راه آهن (کویت - تانوشکی) قریب الاختتام است

§ دومین دختر نوار سید ولایت علی خان سی - ائی. ای والدہ ایدہ سید اصفرحسین خان (خورشید نواب) بمرض وبا در مالٹکه شصت مراحل زندگانی را طی نموده بود در شهر بمبئی جان بجان آفرین نسیم نمود § مهاراجه حیبر ۸۸م شهر حال رهسپار انگلستان خواهد شد مصالح ملک و ملت را برای مهارانی زوجة محترمة خود و آندار نموده است

§ فرما فرمای هند در باره راه آهن کشمیر با مهاراجه معوره فرموده اند - مهاراجه ۲۸ شهر گذشته بجانب امارت (جورن) عودت نموده پنجم شهر حال طازم کشمیر خواهد گردید

§ آخرالسر فرمانفرمای هند فیصله مرافعه الزام قلیکه به مهاراجه (پنا) داده شده بود بدین قسم فرمود که مهاراجه از مسند امارت خلع و (اجپالال) ملازم خاصه مهاراجه را حکم بطناب نمودند آنچه مشهور است یکی از خاندان مهاراجه را بمسند امارت (پنا) برقرار خواهند نمود کویا (کنوار پورن چرن) بدین مقام نائل گردد ولی تا کنون محقق نیست

§ هفته گذشته در تمام صوبه بنکال - آسام - بهار - عالیه و دامنه کوهها و نواحی پغاور - و جتال - طوقان شدید شده در غالب مقامات منبوره باران نیز باریده و در بعضی جاها تکرک هم آمده است

§ بناسله چهل میل بجانب غربی (کالکا) در امارت (تالانده) طاعون خود نمائی نموده اسباب وحشت گردیده است جای شکر می باشد که این مقام از طریق شمه دور افتاده است

§ هیئت کیسیون تحقیق تطایات هند وارد شمله شده پس از یک هفته آرام از ۲۸ شهر ماضی صورت تحقیقات خود را مرتب مکرده امید است تا آخر شهر حال تکمیل یابد

§ حکیم محمد اعظم خان مصنف قرابا دین اعظم - و اکثیر اعظم - و محیط اعظم - و زونوز اعظم -

اداره جبل المتین

مدیرکل کالج استریت نمبر ۴

کلیه امور اداره

بامدیوکل مؤیدالاسلام است

منیجر اداره

آقا محمد جواد شیرازی است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

بتاریخ دوشنبه

۳ صفر المظفر (۱۳۲۰ هجری)

مصادف با

۱۲ - مئی (۱۹۰۲ میلادی)

روزنامه مقدس

(سنه ۱۳۱۱)

قیمت اشتراک

(سالیانه - شش ماهه)

هند - و برمه

(۱۲ روپیه - ۷ روپیه)

ایران - افغانستان

(۴۰ قران - ۲۵ قران)

عثمانی - و مصر

(۵ عییدی - ۳ عییدی)

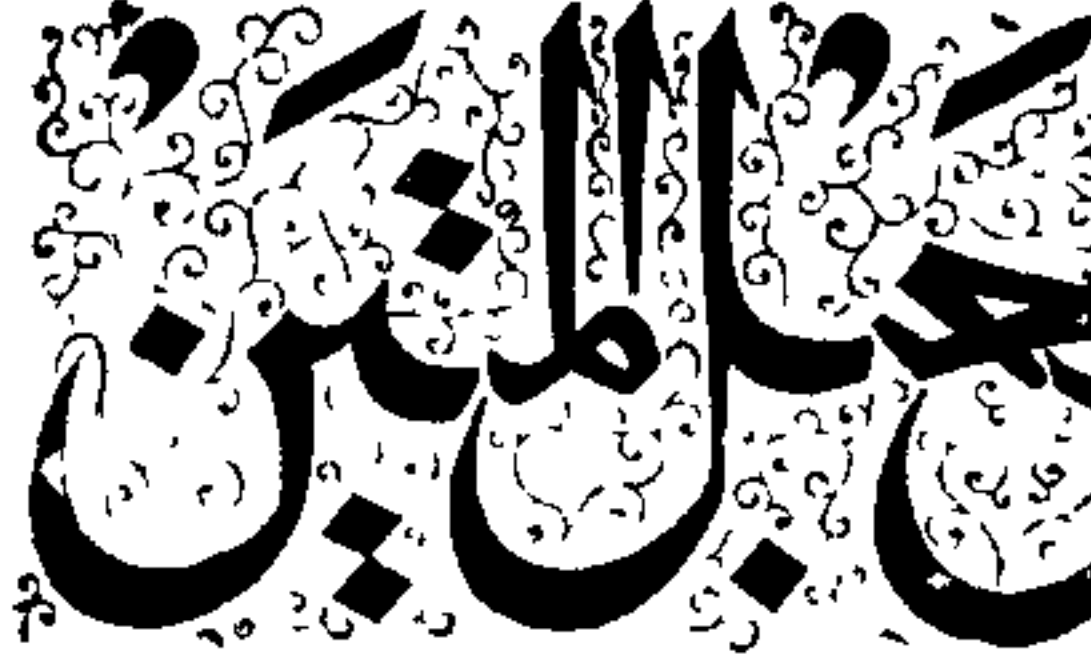
اروپا - و چین

(۲۴ فرنک - ۱۵ فرنک)

روسیه و ترکستان

(۱۰ منات - ۶ منات)

قبل از دریافت نمودن قبض مخصوصه اداره هیچ یک از خریداران نباید قیمت اجناس را ماعدی تسلیم نمایند



ذمه دار صحت و سقم اعلاناتیکه در اجبار داده میشود همان کسانی میباشند که اعلان داده اند

اجرای اداره ذمه دار صحت و سقم فتواتی هستند که از طرف خود میکارند نه عاویس و قایع نگاران و صاحبان مکاتب و منقولات با ترجمه از سایر حراید

(در این جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دوق و فواید ملتی بحث میشود)

(مراسلات عام المعمه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

اشتهار

کارخانه چیت بدل حریرسازی و خانه تجارتی

(اندوی بندر باپسرائش) از شهر سرانوف (در روسیه)

در مغازههای این خانه تجارتی اشیاء ذیل بمصرف فروش میرسد

چیت های ابریشمی - و نیم ابریشمی - و ابریشمها - و تمام بنه

از رخلوت : پیراهن زیری و آهاردار و زیرجامه و غیره همه قسم حاضر و موجود است و فرمایش هم

قبول میشود از جورابها و ساق کشها و غیره همه نوع موجود است

نیم تنگش زنانه همه نوع و همه رنگ

نیم تنه زنانه معمولی و ابریشمی و همچنین بایرقو و غیره

روشواری زنانه ابریشمی از تاقه حریر و هم باقی

مغازههای این خانه تجارتی واقعند

در شهر مسکو یکی در کوجه (ایلین کادرخانه کونجیکو الجستوا) - و دیگری در کوجه (پتروف کادرخانه

روداکوف) - در شهر سرانوف کوجه (نیکلابوسی برابر موزی) - در بادکوبه (در باسازشاکیدانوف)

کتابچه اصول نمونجات از مسکو بهمانا جبهه خریداران محترم فرستاده میشود

این خانه تجارتی فروش میکند هم بطور کلی و هم خورده فروشی

فهرست مندرجات

§ لغت‌ها • تدارقات • اخبارات خارجی • اعلان مراج
جانی در کاکت • مکتوب از کربلا • مختصر حالات
شریعت کوفه • شمه از حالات تاریخی مسلمانان چین •
سوانح عمری جناب حاجی زین العابدین آقا قلی آف •
اعلان • شرکت کارخانجات • اعلان • اختراع
مخصوصه • اعلان دیگر • نویس • اعلان • اجرت
طبع اعلان • شرح اجرت طبع کتب و غیره • نرخنامه
دیباچه • داستان شکفت و سرگذشت یقین • مقاله
یکی از دانشمندان • مقوله یکی از فضلاء نامدار •
مکتوب از نجف اشرف • مکتوب از کربلا •
مکتوب از شام • مکتوب • طوقل در رنگون •
ابصار طوقل • بلوای چین • افغانستان • عقیبه •
تألف • طاهور زنده و ستان • دزدی دلیرانه • خط زدگان
هند • مکتوب از مکه معظمه • اخبارات داخله • کاکت

تکرات

(۴ - می)

§ رئیس جمهوری آمریکا (مسز روری ویلت)
برای ادای رسم انکشاف مناره که در (جیو) تاره
احداث نمودند دعوت جماعتی از افسران و وزرای
فرانسه را خواست (ام لوت) وزیر جمهوری فرانس
نائب امیرالبحر و (ام بروچیر) را با جماعتی دیگر از
افسران و سرداران در چهار زره پوشی سوار نموده
بجانب آمریکا کسبل داشته است

§ اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ایران مظفرالدین شاه
خلیفا ملک رونق افروز (آستارا) سرحد روس
کرده هیئت مهماندارانیک از جانب اعلیحضرت
امپراطور قل ممالک روسیه در سرحد مأمور و قبل
از وقت منتظر بودند پذیرائی شایان نمودند

§ شاهزاده ولیمهد سیام بجانب پاریس و لندن رهسپار
شده بواسطه احترامات شاهزاده موسوف صدر اعظم
(استریا هنکری) دیشب دعوتی نمایان نمود

§ (لارد تارته بروک) شاهزادگان و نوایان و
راجکان هندوستانرا که مدعو در جشن تاجگذاری
شده و وارد لندن گردیده اند برای تماشای شهر منچستر
ایضا دعوت نموده حکومت بهیله منچستر پذیرائی
شایان از ایشان کرده است

(۵ - می)

§ یکی از اخبارات (ویانه) مینویسد که بزرتان مملکت
روس زایدالوصف مرعوب نموده اند. اینصورت بعضی از
اوراق را منتشر ساخته هوام را به بغاوت برمیافزایند
اخبارات مفصوره مینویسند که قزاقان روس هر
(اکساونیا) ۲۰ نفر را مجروح و مقتول ساخته آویا
بلوآنیان در (لمباب) و (برسلاف) و (قازان) برای
پیشرفت مقاصد خودشان مجالس عمومی انعقاد نموده اند

(۶ - می)

§ در مملکت (ایتالیا) بواسطه بلوای اهالی در پنج
موقع ولایت (مالتاوا) آئین جنکی را اجرا داشته اند
§ (لارد کنچر) تکراراً خبر میدهد که فصلان
بورژان درین هفته ده نفر مقتول و یکصد و سی و
هش نفر اسیر و دستگیر گردیده اند

§ قشون زیادی سرداران انگلیسی برای قبضه نمودن
(اراکب - و ناماکوالند) که در آنجا مدیست بوژها
کمین نموده و (استین سکوب) را متصرف شده
فرستاده اند - درین هنگامه چهارده نفر از قشون
انگلیسی بقتل رسیده بوژان نیز قصاصشان بسیار
بوده است

§ (جنرل بروس هملتن) در مقام (ملبورن) هشناد
و هفت نفر بوژان را اسیر و دستگیر نموده است
§ (جنرل آرن هملتن) در مغرب (کلر سدراب)
اراضی زیادی را از قبضه بوژان خارج نموده متصرف
شده است

§ (کرنل کولبراند) در تعاقب جماعتی از بوژان
که تحت امر (کاندت بایرس) بوده حرکت نموده اسپر
(۷ - می)

§ اخبار (مارشک پست) عنوانات مفویانه درماده
فرانسه و سیام انتشار داده در آن ضمن مینویسد که
دولت روس در مقام (بانک) دولت فرانسه را تأیید
و امداد نموده است

§ وزیر اعظم دولت انگلیس (لاردمالسریمو)
هر تالار (بالبرت) لفظی داده درعاده صلح با بوژان
اظهار داشته است که دولت انگلیس از برخی خیالات
خود منحرف شده تن بصلح داده است ازین رو کپن
نیکیم که ازین به بعد جنگ لفظی جنونی بطول

(۹ - منی)

§ (کپتان آنتنی) خبر میدهد که بوم پنجشنبه بداعت يك در (سنت پیر) که واقع در جزیره (مارتینک) میباشد کوه آتش فشان عظیمی انکشاف گردیده سی نفر که از صدمه آتش نیم سوز شده بودند نجات یافته اند جماعتی در لکرکاه پیاده شده نتوانستند داخل شهر شوند اشیای زیاد در بندرگاه روی هم ریخته بدین است بعد از این قضیه هائله منفی در آن شهر خان سلامت نه بوده است - حکومت مرکزی در جهاز موسوم به (رؤم) برای ملاحظه شهر آمده بود بمشکل جان بدر برده خبر این واقعه را بحریه (سنت طامس) رسانید با اینکه جهازی فوری لکر کشید و سرعت تام حرکت کرد باد بانها پیش آتش گرفت و ده نفر خلاصی های جهاز بعضی سوخته و برخی خود را در دریا انداختند فرقی نمودند هزار نفر در جزیره (سنت پیر) از اروپاییان ساکن بودند من جمله آنها شش نفر از انگلیسیان بوده و باقی بومیان جزیره اند از جمله جهازاتی که در آن حریق سوخته و از میان رفته است يك فروند جهاز انگلیس موسوم به (راریبه) است که در آن بیست و شش نفر خلاصی بوده اند جزائر منی و جزیره (مارتینک) خراب شده است

§ این کوه آتش فشان در مقام (مارتینی ایو) پیدا شده چون در قرب جزیره (سنت پیر) بود تمام باشندگان و جهازات را نقصان عظیم رسانیده (یعنی بر آتش فنا داده است) جهازی که این خبر را به (سنت طامس) رسانید هفده نفر از عمالجاتش سوخته و کپتان او نیز سخت مجروح شده است

§ در (دومینکا - سنت - ویسنت) نیز کوه های آتش فشان بشدت تمام شده و در گردیده اند و هم دروزه زیاد می رود در اسپایا و جنوبی فرانس آثار زلزله محسوس میشود § کپتان (سویت) فرانسوی خبر میدهد که من در دریا دیدم قطعه آتش بسیار عظیمی در شهر و جزیره (سانت پیر) و حوالی آن افتاده هر را آتش زده خلقتش نمود ازین معلوم میشود که تمام نفوس آن که بالغ بر بیست هزار نفر بوده تلف گردیده اند

§ زابونیکا که در لندن توفت دارند سهمانی باشکوهی نموده در آن مجلس (لارڈ میر) و (کراتت شسوکا) را

انجامد و امید دارد که زبده براین ائتلاف نفوس نمود و برادرانه باهم ملوکش نمایند

§ کوه آتش فشانی در مقام (مارتینی آینو) انکشاف گشته ازین حادثه پنجاه نفر مفقود الابر گردیده اند § (لارڈ کنچر) تلگرافاً خبر میدهد که در (کزالمندلی) ده نفر از بوژان مقتول و دو بیست و هفت نفر اسیر گردیده اند در میان اسرای بوژ چند نفر از بر آوردگان بوژ از اهالی آرنج نیز می باشند درین جنگ احدی از قشون انگلیس نقصان نیافته است

§ مقام (اوگریت) را قشون انگلیسی از بوژان خالی نموده به تصرف خود آورده اند

(۸ - منی)

§ پارسیهای لندن انعقاد مجلسی نموده قرار داده اند که بوم درود (سرچشید جی جی بهای) در انگلستان تمام ملت پارسیه در پذیرائی او همدست وهم داستان شده مراسم لازمه تعظیم و احترام را بجای آورند § (بارن هیاشی) سفیر دولت ژاپون در لندن اظهار داشته ترقیاتیرا که اخبارات ژاپونی در عرصه سی حال نموده و هروجی را که این ملت خوشبخت درین عرصه قلیل از برصکت معارف خود حاصل کرده اند

§ (لارڈ کنچر) خبر میدهد که سیصد و بیست و یک نفر بوژان بوم شنبه گذشته اسیر قشون انگلیس شده در اضافات (پترسبرگ) نیز سی و چهار نفر بوژان دستگیر گردیده اند

§ قطار کالسکا های راه آهن که حامل اسلحه بوده و بجانب (پترسبرگ) روانه بودند بوژان از خط بیرون برده یازده نفر (کرنل - سرهنگ) را قتل رسانیده اند § هیئت که از جانب وزرای هولاند مقرر شده بودند آراشکان براین قرار گرفته مبانی هتکفت که در وقت جنگ بکار آید ذخیره و جمع آوری شود و در همان ضمن ظاهر داشته اند که مقصود ما ازین تدارک هتکفت و هتکفت با دولت جمهوری المازونی نیست وزرای هولاند را عقیده براین است که این مبالغ را در طریق جمع بکار آید تا ظاهر خود که بجهت مقدار جمع میتواند شد